

## بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران

یعقوب فروتن\*

**چکیده:** افزایش چشمگیر میزان اشتغال زنان در جهان از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، به عنوان مهم‌ترین مشخصه «انقلاب در نقش‌های جنسیتی» نامیده شده است (دیویس ۱۹۸۴، کوتر و همکاران ۲۰۰۱). در ایران، علی‌رغم توانمندی‌های قابل توجه زنان و پیشرفت‌های برجسته‌ای که طی سال‌های اخیر در خصوص عناصر زمینه‌ساز افزایش مشارکت آنان در بازار کار به وقوع پیوسته است (مانند افزایش تحصیلات زنان به ویژه تحصیلات دانشگاهی، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش سطح باروری و روند فزاینده نگرش موافق با اشتغال زنان)، میزان مشارکت زنان در بازار کار همچنان پایین است. معمولاً سطح پایین اشتغال زنان به میزان قابل ملاحظه‌ای ریشه در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد که از طریق سیستم‌های آموزشی و متون درسی بازتولید می‌شود. در این تحقیق با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، مهم‌ترین الگوها و ویژگی‌های اشتغال زنان در متن و تصاویر کتاب‌های درسی سه مقطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مورد مطالعه قرار گرفته است. مطابق نتایج این تحقیق، الگوی سنتی تفکیک نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه و مدل «مرد، نان آور خانوار» (مک دونالد ۲۰۰۰) به وضوح در این کتاب‌های درسی بازنمایی شده است. تنوع شغلی بسیار محدود و همجنس بودن افرادی که زنان شاغل با آنان سروکار دارند، نیز از مهم‌ترین ویژگی‌های بازنمایی اشتغال زنان در کتاب‌های درسی محسوب می‌شود. به علاوه، تفاوت‌های مهم و قابل ملاحظه‌ای در خصوص الگوها و ویژگی‌های اشتغال زنان بر حسب مقاطع تحصیلی، پایه تحصیلی و عناوین کتاب‌های درسی در این تحقیق مشاهده گردید.

**واژه‌های کلیدی:** اشتغال زنان، سیستم آموزشی، کتاب‌های درسی، نقش‌های جنسیتی، جامعه پذیری

## مقدمه و طرح مسأله

میزان مشارکت زنان در بازار کار طی دهه‌های اخیر در جهان روند فزاینده‌ای را طی کرده است که به عنوان مهم‌ترین ویژگی «انقلاب در نقش‌های جنسیتی»<sup>۱</sup> محسوب می‌شود (دیویس<sup>۲</sup> ۱۹۸۴، کوتر و همکاران<sup>۳</sup> ۲۰۰۱). از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، مجموعه‌ای از عوامل به بروز چنین تحول بزرگی کمک کرده‌اند: جنگ جهانی دوم که فرصت استثنایی را در اختیار زنان قرار داد تا بتوانند اقتصاد خانواده و جامعه را در غیاب مردان بر عهده گیرند، تکنولوژی کنترل مولید که زنان را قادر ساخت تا رفتار باروری خود را متناسب با سایر خواسته‌های خود به ویژه کار خارج از خانه تنظیم کنند، تکنولوژی پیشرفته وسایل متعدد خانگی که به صرفه‌جویی وقت و کاهش وظایف روزمره زنان در خانه کمک کرد، تأسیس مراکز نگهداری از کودکان و مرخصی‌های زایمان، رشد بخش صنایع خدمات مانند بانک‌ها و شرکت‌های بیمه و ارتباطات و صنعت توریسم و افزایش نگرش مثبت نسبت به اشتغال خارج از خانه زنان، زمینه‌های مناسبی را برای افزایش میزان مشارکت زنان در بازار کار ایجاد کرده است.

در ایران، علی‌رغم توانمندی‌های قابل توجه زنان، میزان مشارکت آنان در بازار کار بسیار پایین است. در واقع، میزان مشارکت زنان ایرانی در بازار کار حتی در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان سوم که از سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی کمابیش یکسان یا پایین‌تر از ایران نیز برخوردارند، کمتر است. به عنوان مثال، مطابق گزارش سازمان بین‌المللی کار (I.L.O 2001)، میزان مشارکت زنان در بازار کار در ایران برابر با ۱۲/۵ درصد می‌باشد. در حالی که، این میزان در کشورهایی همچون سوریه (۱۹/۵ درصد)، مصر (۲۴ درصد)، تونس (۲۷ درصد)، ترکیه (۳۲/۲ درصد)، مراکش (۳۴/۵ درصد) و مالزی (۵۰/۲ درصد) است (گزارش سازمان بین‌المللی کار: I.L.O 2001)<sup>۴</sup>. علاوه بر این، پیشرفت‌های چشمگیری در ایران طی دهه‌های اخیر در خصوص عناصر زمینه‌ساز افزایش حضور و مشارکت زنان در بازار کار پدید آمده است. به عنوان مثال، می‌توان به افزایش تحصیلات زنان به ویژه تحصیلات دانشگاهی، افزایش میانگین سن ازدواج زنان، کاهش سطح باروری زنان و روند فزاینده نگرش موافق با اشتغال زنان اشاره کرد

1 Revolution in gender roles

2 Kingsley Davis

3 Cotter et al.

4 International Labour Organisation

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۴۱

(اسدی و همکاران ۱۳۵۶، عبدی و گودرزی ۱۳۷۷، زنجانی ۱۳۸۲، میرزایی ۱۳۸۴، شادی طلب ۲۰۰۵، عباسی شوازی و مک دونالد ۲۰۰۶، سفیری ۱۳۸۶، فروتن ۱۳۸۷). با این همه، میزان مشارکت زنان ایرانی در بازار کار همچنان بسیار پایین است (کمتر از ۱۵ درصد در سرشماری سال ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران). گفتنی است که در اغلب کشورهای پیشرفته صنعتی، میزان مشارکت زنان در بازار کار بیش از ۷۵ درصد است (فروتن ۱۳۸۷). معمولاً این‌گونه استدلال می‌شود که یکی از دلایل اساسی کاهش میزان مشارکت زنان در بازار کار در کشورهای جهان سوم و به طور خاص در ایران، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است که میزان و الگوهای اشتغال زنان را به طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد. این زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر اشتغال زنان معمولاً از طریق سیستم‌های آموزشی و متون درسی بازتولید می‌شوند. بر همین اساس، اهمیت و ضرورت انجام چنین تحقیقاتی ریشه در این واقعیت دارد که متون آموزشی مدارس به عنوان اولین منبع رسمی انتقال ارزش‌های جامعه (آربوتنوت<sup>۱</sup> ۱۹۸۴) و به عنوان یک موتور محرکه بسیار قدرتمند نقش استثنایی در فرآیند جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی کودکان و نوجوانان (بندر و لئون<sup>۲</sup> ۱۹۸۹، لی و کولینز<sup>۳</sup> ۲۰۰۸) ایفا می‌کنند. بدین ترتیب، پرسش کلیدی در اینجا این است که این کتاب‌های درسی چه چیزهایی را در زمینه نقش‌های جنسیتی به فرزندان ما می‌آموزند؟ و الگوهای مرتبط با اشتغال زنان در خارج از خانه با چه ویژگی‌هایی در این کتاب‌های درسی انعکاس یافته و بازنمایی شده است؟ در عین حال، باید توجه داشت که اهمیت و ضرورت طرح چنین پرسش‌هایی و انجام چنین تحقیقاتی در کشورهایی از جمله کشور ما به مراتب بیشتر است، زیرا نظام آموزشی چنین کشورهایی اساساً در یک چارچوب کتاب محوری محدود می‌شوند و به همین سبب، کتاب‌های درسی مدارس نقش تقریباً منحصر به فردی در فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی دانش‌آموزان دارند. بنابر این، هدف اساسی این تحقیق این است که مهم‌ترین ویژگی‌ها و الگوهای مرتبط با اشتغال زنان در کتاب‌های درسی مدارس ایران مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا از این طریق چگونگی بازتولید زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر الگوهای اشتغال زنان معلوم گردد.

## مروری بر مطالعات پیشین

<sup>1</sup> Arbuthnot

<sup>2</sup> Bender and Leone

<sup>3</sup> Lee and Collins

به طور کلی، مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای در زمینه چگونگی بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی در ایران و سایر نقاط جهان انجام گرفته است (صداقت و زاهد ۱۳۷۴، مجتهدی ۱۳۸۱، رضوی و نظرعلی ۱۳۸۵، شیخاوندی ۱۳۸۵، حجازی ۱۳۸۵، فروتن ۱۳۸۹، ویتزمن<sup>۱</sup> و همکاران ۱۹۷۲، هیگینس<sup>۲</sup> و شعارغفاری ۱۹۹۱، کورتنهاس و دمارست<sup>۳</sup> ۱۹۹۳، اونس و داویس<sup>۴</sup> ۲۰۰۰، گودن و گودن<sup>۵</sup> ۲۰۰۱، آندرسون و همیلتون<sup>۶</sup> ۲۰۰۵، لی و کولینز ۲۰۰۹). با این همه، مطالعات و تحقیقاتی که به طور خاص و منحصرأ بر روی بازنمایی اشتغال زنان در کتاب‌های درسی مدارس در ایران و جهان صورت گرفته‌اند، بالنسبه اندک می‌باشند. زیرا در این تحقیقات هویت و نقش‌های جنسیتی کانون توجه است که موضوع اشتغال زنان به عنوان یکی از ابعاد مهم آن موردنظر می‌باشد. در هر حال، اساسی‌ترین الگو در نتایج اغلب این تحقیقات، این واقعیت است که بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی بیش از آنکه مبتنی بر «بی‌طرفی جنسیتی»<sup>۷</sup> (وایتلی<sup>۸</sup> ۱۹۹۶) باشد، متأثر از «سوگیری جنسیتی»<sup>۹</sup> (ساندرلاند و همکاران<sup>۱۰</sup> ۲۰۰۱، سوگار و همکاران<sup>۱۱</sup> ۲۰۰۲) است. مطابق این تحقیقات، زنان عمدتاً در قالب نقش‌های سنتی و انجام فعالیت‌های خانگی، ولی مردان بیشتر در قالب نقش‌های غیر سنتی و انجام فعالیت‌های خارج از خانه به تصویر کشیده شده‌اند. در ایران نیز نتایج تحقیقات انجام شده بر روی کتاب‌های درسی دوره دبستان (صداقت و زاهد ۱۳۷۴، یعقوبی ۱۳۷۶، مجتهدی ۱۳۸۱، حجازی ۱۳۸۵، افشانی و همکاران ۱۳۸۸، فروتن ۱۳۸۹) نشان دهنده‌ی این است که بر اساس یک الگوی سنتی تقسیم کار، حضور بسیار اندک و کم‌رنگ زنان در متن و تصاویر این کتاب‌های درسی اغلب در محدوده انجام کارهای داخل خانه و کمتر در قالب اشتغال خارج از خانه تعریف و نشان داده می‌شود. به علاوه، نتایج تحقیق مقصودی (۱۳۸۳) بر روی کتاب‌های داستانی کودکان نیز نشان داده است که زنان غالباً در نقش‌های عادی

---

<sup>1</sup> Weitzman  
<sup>2</sup> Higgins  
<sup>3</sup> Kortenhaus and Demarest  
<sup>4</sup> Evans and Davis  
<sup>5</sup> Gooden and Gooden  
<sup>6</sup> Anderson and Hamilton  
<sup>7</sup> Gender fairness  
<sup>8</sup> Whiteley  
<sup>9</sup> Gender bias  
<sup>10</sup> Sunderland, et al.  
<sup>11</sup> Sugar, et al

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۴۳

اجتماعی از نوع کلیشه‌ای و سنتی و در نقش‌هایی همچون مادری، کدبانوگری، معلمی و پرستاری معرفی شده‌اند. علاوه بر این، نتایج تحقیقات انجام شده توسط مقدم<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) در کشورهای مصر، ترکیه و ایران ایران و همچنین نتایج تحقیقات گسترده در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از سوی محققینی مانند اعظم<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۸۴)، عمران و رودی<sup>۳</sup> (۱۹۹۳)، زوریک و ساده<sup>۴</sup> (۱۹۹۵)، یاسمین<sup>۵</sup> (۲۰۰۴)، مک کویلان<sup>۶</sup> (۲۰۰۴)، فروتن (۲۰۰۹)، فروتن (۱۳۸۷ و ۱۳۹۰)، نشان می‌دهد که سطح بسیار بسیار پایین اشتغال زنان در این قبیل کشورها ریشه در سیستم‌های آموزشی این کشورها دارد که با استفاده از کتاب‌های درسی مدارس و سایر وسایل ارتباط جمعی مانند برنامه‌های رادیو و تلویزیون، الگوهای سنتی نقش‌های جنسیتی را به کودکان و نوجوانان آموزش و انتقال می‌دهند.

به علاوه، بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در دهه‌های اخیر در زمینه انعکاس نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی به وقوع پیوسته است. به عنوان مثال، گودن و گودن<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) با تجزیه و تحلیل تطبیقی تحقیقات انجام شده بر روی کتاب‌های درسی طی دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، نتیجه‌گیری می‌کنند که سوگیری‌های جنسیتی در این کتاب‌ها به طور چشمگیری کاهش یافته است. در ایران نیز، مقایسه نتایج تحقیقات هیگینس و شعارغفاری (۱۹۹۱) و افشانی و همکاران (۱۳۸۸) مبین این واقعیت است که اقتساب نقش خانه‌داری به زنان کاهش یافته و ترسیم زنان در نقش‌های حرفه‌ای و تخصصی افزایش پیدا کرده است. با این همه، مطالعات جدید نشان می‌دهند که علی‌رغم این پیشرفت‌های اخیر، سوگیری‌های جنسیتی کماکان در بسیاری از کتاب‌های درسی مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، نتایج بررسی صادقی جعفری (۱۳۸۷) بر روی وضعیت زنان در ادبیات کودکان ایران طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۴ نشان داد که کلیشه‌های جنسیتی و نگرش‌های سنتی نسبت به زنان در این کتاب‌ها کماکان وجود دارد. نتایج تحقیقات و مطالعات اخیر در سایر ممالک جهان مانند جامائیکا، استرالیا، ایالات متحده و هنگ کنگ (پیترسون و لاج<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰، وایتلی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶،

1 Moghadam

2 Azzam

3 Roudi&Omran

4 Zurayk & Saadeh

5 Yasmeen

6 McQuilan

7 Gooden& Gooden,

8 Peterson and Lach

اونس و داویس<sup>۱</sup>، آندرسون و همیلتون<sup>۲</sup>، لی و کولینز<sup>۳</sup>، لی و کولینز<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که علی‌رغم پیشرفت‌های عمدتاً کمی در زمینه حضور بالنسبه بیشتر زنان در کتاب‌های درسی مدارس در مقایسه با دهه‌های گذشته، کلیشه‌های جنسیتی کماکان در بسیاری از این کتاب‌ها وجود دارد، به طوری که، به عنوان مثال، فعالیت و حضور زنان عمدتاً در چارچوب محیط خانه و انجام کارهای خانگی محدود شده است.

### مبانی نظری

یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که می‌تواند در تبیین جایگاه متون درسی در تکوین و تکامل هویت و نقش‌های جنسیتی از جمله موضوع اشتغال زنان مورد استفاده قرار گیرد، تئوری کنش متقابل نمادی<sup>۳</sup> است. در این تئوری، عنصر جنسیت دارای نقش کلیدی در تکوین شناخت و کنش‌های متقابل انسان‌ها با همدیگر می‌باشد. به عقیده صاحب‌نظران برجسته این تئوری مانند ساپیر<sup>۴</sup> (۱۹۲۹)، جورج هربرت مید<sup>۵</sup> (۱۹۳۴) و وورف<sup>۶</sup> (۱۹۵۶)، انسان‌ها از دوران کودکی و از طریق زبان و کنش متقابل به یک «خود اجتماعی»<sup>۷</sup> دست می‌یابند. در واقع، از سنین ۴ تا ۷ سالگی، آگاهی و شناخت کودکان از جنسیت به عنوان یک عنصر اساسی «خود» شروع می‌شود. در این تئوری، زبان ابزار بسیار مهمی است که انسان‌ها را قادر می‌سازد تا واقعیات موجود و جهان پیرامون خود را بشناسند. به همین جهت، آنان استدلال می‌کنند که باید دید که بچه‌ها از زمانی که خواندن را یاد می‌گیرند، چه چیزهایی را درباره جنسیت باید بیاموزند. مطابق این نظریه، کتاب‌های کودکان نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری این شناخت جنسیتی ایفا می‌کنند. به عقیده صاحب‌نظران این تئوری، کتاب‌های بچه‌ها یک جهان کوچکی از فرهنگ جامعه را ارائه می‌دهند که بچه‌ها از طریق آن با ارزش‌ها و اعتقادات جامعه از جمله در خصوص نقش‌های جنسیتی و الگوهای اشتغال زنان و مردان آگاهی می‌یابند. بدین ترتیب، وقتی بچه‌ها یاد می‌گیرند که چگونه

<sup>1</sup> Whiteley

<sup>2</sup> Collins & Lee

<sup>3</sup> The Symbolic Interaction Theory

<sup>4</sup> Sapir

<sup>5</sup> G. H. Mead

<sup>6</sup> Whorf

<sup>7</sup> Social self

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۴۵

بخوانند، در واقع، آنان از این طریق با زوایای مختلف فرهنگ جامعه نیز آشنا می‌شوند (مید ۱۹۳۴، بم<sup>۱</sup> ۱۹۸۱، تایلور<sup>۲</sup> ۲۰۰۳). یکی دیگر از نظریه‌های اصلی در تبیین جایگاه متون درسی در تکوین و تکامل هویت و نقش‌های جنسیتی و اشتغال زنان، نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی<sup>۳</sup> است. از دیدگاه صاحب‌نظران این تئوری مانند اونس و داویس (۲۰۰۰) و تایلور<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، جنسیت به عنوان یک عنصر کلیدی تلقی می‌گردد که نه تنها ما انسان‌ها را قادر می‌سازد تا جهان اجتماعی و جایگاه خود را در آن ادراک کنیم، بلکه نقش حیاتی در شکل‌گیری احساسات و افکار و رفتارها و کنش‌های ما با همدیگر از زمان ولادت تا مرگ نیز ایفا می‌کند. مطابق این نظریه، ما انسان‌ها از همان دوران کودکی فرا می‌گیریم که جامعه انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی متفاوتی از دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها دارد. بدین ترتیب، این انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی متفاوت که اصطلاحاً از آن تحت عنوان «کدهای جنسیتی»<sup>۵</sup> جنسیتی<sup>۵</sup> (تایلور ۲۰۰۳) نام برده می‌شود، زمینه‌های مناسبی را برای درونی شدن و جامعه‌پذیری ایدئولوژی جنسیتی فراهم می‌آورند. در واقع مدارس به عنوان نخستین و مهم‌ترین مراکز رسمی آموزش کودکان و نوجوانان تلقی می‌گردند که در آن‌ها نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی منتقل می‌شوند و کتاب‌های درسی به طور عام به عنوان مهم‌ترین ابزارهایی هستند که این کار انتقال را برعهده دارند و به طور خاص نیز به عنوان یک مکانیسم فرهنگی مهمی برای آموزش نقش‌های جنسیتی به بچه‌ها محسوب می‌شوند. صاحب‌نظران این تئوری استدلال می‌کنند که متون آموزشی و درسی مدارس نقش کلیدی در فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی ایفا می‌نمایند.

علاوه بر این، اهمیت سیستم‌های آموزشی و جایگاه متون درسی در تکوین و تکامل هویت و نقش‌های جنسیتی و الگوهای اشتغال زنان از سوی اندیشمندان معاصر تئوری جنسیت<sup>۶</sup> نیز به طور جدی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال، می‌توان به نظریات و مطالعات ماسی و همکاران<sup>۷</sup> (۱۹۹۳)، حکیم<sup>۸</sup> (۱۹۹۶)، ریلی<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، آنکر<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) و ریلی و مک کارتی<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) اشاره کرد. در این

<sup>1</sup> Bem

<sup>2</sup> Taylor

<sup>3</sup> The Gender Socialization Theory

<sup>4</sup> Taylor

<sup>5</sup> Gender codes

<sup>6</sup> The Gender Theory

<sup>7</sup> Massey et al

<sup>8</sup> Hakim

این نظریه استدلال می‌شود که تحولات عمیقی در زمینه تبیین تفاوت بین دو مفهوم جنس و جنسیت<sup>۴</sup> به وقوع پیوسته است که به خوبی نشان دهنده نقش سیستم‌های آموزشی و کتاب‌های درسی نیز می‌باشد. به عقیده صاحب‌نظران این تئوری، در گذشته و مطابق تعاریف کلاسیک، مفهوم «جنس» معمولاً ناظر بر تفاوت‌های بیولوژیک و جسمانی بین مرد و زن (مانند کروموزوم‌ها، هورمون‌ها و خصوصیات ثانویه جنسی)، و مفهوم «جنسیت» ناظر بر تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی بین مردان و زنان می‌باشد. ولیکن، اندیشمندان معاصر تئوری جنسیت استدلال می‌کنند که آنچه امروزه باید به طور جدی‌تری کانون توجه قرار گیرد، این پرسش است که چگونه چنین تفاوت‌هایی در جامعه شکل گرفته و سازماندهی می‌شوند. معمولاً، یکی از برجسته‌ترین مثال‌هایی که این نظریه‌پردازان در این خصوص مطرح می‌کنند، مربوط به الگوهای اشتغال زنان می‌باشد. به عنوان مثال، آنان نشان می‌دهند که در بسیاری از جوامع، زنان و مردان نقش‌های متفاوتی را برعهده می‌گیرند که می‌تواند ناشی از تفاوت‌های بیولوژیک و جسمانی بین مردان و زنان (مثلاً تخصیص مشاغل نیازمند قدرت بدنی به مردان و تخصیص مشاغل ظریف به زنان) یا ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی (مثلاً، یک سلسله اعتقادات و باورهایی که بر اساس آن‌ها یک سری کارهای خاص، مانند پرستاری یا معلمی در مدارس ابتدایی برای زنان مناسب‌تر است) باشد. اما، صاحب‌نظران معاصر تئوری جنسیت معتقدند که امروزه یک مبحث جدید مطرح می‌گردد که اصولاً معطوف به مفروضات و گزاره‌هایی است که پیشاپیش پذیرفته و قطعی تلقی می‌شوند و بر اساس آن‌ها نقش‌های جنسیتی متفاوت برای مردان و زنان در فرهنگ و اقتصاد خانواده و جامعه شکل یافته و سازماندهی شده است و چنین باورهایی را در جامعه تقویت و نهادینه می‌کنند. بدین ترتیب، اندیشمندان معاصر تئوری جنسیت معتقدند که در سیستم‌های آموزشی بسیاری از کشورهای جهان، مردان از شانس بیشتری برای تدریس در دبیرستان‌ها و دوره‌های عالی و همچنین مسئولیت‌های اجرایی و مدیریتی برخوردار هستند، درحالی‌که زنان معمولاً بیشتر برای تدریس در مقاطع تحصیلی پایین‌تر به کار گرفته می‌شوند زیرا این‌گونه فرض شده است که آنان از توانمندی‌های مدیریتی و رهبری کمتری برخوردار هستند و در عوض، می‌توانند به نحو مناسب‌تر و بهتری به بچه‌های کم سن و سال

1 Riley

2 Anker

3 Riley and McCarthy

4 Sex and Gender



بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۴۷

بپردازند. اندیشمندان معاصر تئوری جنسیت استدلال می‌کنند که آنگاه که کودکان در چنین خانواده‌ها و سیستم‌های آموزشی رشد و تحصیل می‌کنند که در آن چنین تفاوت‌هایی در زمینه الگوهای اشتغال پیشاپیش مسلم و مفروض تلقی شده است، نه تنها به تدریج چنین شکل از تقسیم و تفکیک نقش‌های جنسیتی را می‌آموزند و می‌پذیرند، بلکه بینش و دیدگاه آنان در سنین بزرگسالی درباره نقش‌های جنسیتی و الگوهای اشتغال زنان و مردان نیز تابعی از همین آموخته‌ها و تجربه‌های دوران کودکی خواهد بود. به علاوه، به عقیده صاحب‌نظران نظریه «مدل (یا طرحواره) جنسیتی»<sup>۱</sup> از جمله جونز<sup>۲</sup> (۱۹۸۱)، بم<sup>۳</sup> (۱۹۸۴)، ایگلی و وود<sup>۴</sup> (۱۹۹۳)، فوکس<sup>۵</sup> (۱۹۹۳)، و ناراهارا<sup>۶</sup> (۱۹۹۸)، کتاب‌های کودکان یک حس و درکی از مردانگی (مرد بودن) و زنانگی (زن بودن) را در آنان ایجاد می‌کنند که مبتنی بر مجموعه‌ای از کلیشه‌های سنتی و تفکرات قالبی درباره نقش‌های جنسیتی است، و بر همان اساس نیز در آینده، زندگی و اندیشه و رفتار خودشان را تنظیم و هدایت می‌کنند. به همین سبب، در این تئوری استدلال می‌شود که بسیاری از ویژگی‌هایی که به زنان و مردان نسبت داده می‌شوند، غالباً ریشه زیست‌شناختی نداشته بلکه اکتسابی است. بدین ترتیب، چارچوب تئوریک تحقیق حاضر مبتنی بر جنبه‌های اجتماعی فرهنگی مجموعه نظریه‌هایی است که در این بخش مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. در عین حال، با توجه به غلبه صبغه اجتماعی فرهنگی نقش‌های جنسیتی و اشتغال زنان در این تحقیق، مباحث مطروحه در تئوری جامعه‌پذیری از جایگاه به مراتب مهم‌تری در چارچوب تئوریک تحقیق حاضر برخوردار است. بر همین اساس، مبانی نظری این تحقیق نیز بر این اصل کلیدی استوار است که نقش‌های جنسیتی به عنوان ویژگی‌های اکتسابی و محقق<sup>۷</sup> (و نه به عنوان ویژگی‌های ذاتی و محول<sup>۸</sup>) تلقی می‌شوند که در چارچوب انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی جامعه، به تدریج شکل گرفته و درونی می‌گردد که اصطلاحاً از آن تحت عنوان «فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی» یاد می‌شود. ضمن آن‌که، سنین مدرسه به عنوان مهم‌ترین زمان و متون درسی نیز به عنوان مهم‌ترین ابزار آموزش و انتقال فرهنگ جامعه، نقش

<sup>1</sup> The gender schema theory

<sup>2</sup> Johns

<sup>3</sup> Bem

<sup>4</sup> Eagly and Wood

<sup>5</sup> Fox

<sup>6</sup> Narahara

<sup>7</sup> Achieved characteristics

<sup>8</sup> Ascribed characteristics

منحصربه فردی در فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی کودکان و نوجوانان و درونی کردن الگوهای شغلی زنان و مردان ایفا می‌کنند. بر اساس همین چارچوب تئوریک، تحقیق حاضر تلاش می‌کند تا مهم‌ترین الگوها و ویژگی‌های فرآیند جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی به ویژه تمایزات جنسیتی مرتبط با موضوع اشتغال را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

### روش تحقیق

مطابق رویه معمول در مطالعات و تحقیقات کمی مرتبط با منابع و داده‌های کیفی به ویژه منابع مکتوب و تصویری مثل کتاب‌های درسی و یا سایر اشکال و وسایل ارتباطات اجتماعی مانند برنامه‌های رادیو و تلویزیون، مجلات، عکس‌ها و موزیک‌های ضبط شده، روش مورد استفاده در این تحقیق نیز تکنیک تحلیل محتوا<sup>۱</sup> می‌باشد. معمولاً، در تحلیل محتوای متن‌های مکتوب و تصویری و صوتی از قبیل کتاب‌های درسی، دو نوع اصلی محتوا وجود دارد: یکی، محتوای آشکار<sup>۲</sup> که در آن، محقق با عناصر و اجزایی سروکار دارد که در داخل یک متن حاضر و مشهود هستند و می‌توان به طور دقیق آن‌ها را شمارش کرد. دیگری، محتوای پنهان<sup>۳</sup> که در آن، محقق با معنای سمبلیک و نمادین یک متن سروکار دارد و باید معنای ساختاری عمیق و مستتر در زوایای متعدد یک متن (اعم از متن مکتوب، تصویری و صوتی) را تفسیر و روشن نماید. در نتیجه، همچنان‌که برگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) و تایلور (۲۰۰۳) نیز متذکر شده‌اند، تجزیه و تحلیل محتوای پنهان یک متن به مراتب دشوارتر از تجزیه و تحلیل محتوای آشکار آن است. مثلاً، می‌توان نشان داد که در مجموعه‌ای از کتاب‌های درسی، چند بار هر یک از واژه‌های جنس مذکر و مؤنث تکرار شده و یا هر یک از دو جنس مردان و زنان در نقش‌های مدیریتی یا نقش‌های خارج از خانه نشان داده شده‌اند.<sup>۵</sup> به همین سبب، ضمن تأکید بر اهمیت تجزیه و تحلیل محتوای پنهان، تحقیق حاضر

1 Content analysis technique

2 Manifest content

3 Latent manifest

4 Berg

۵ گفتنی است که در این خصوص، برخی از محققین مانند رایف و همکاران (Riffe et al. 1381: 24-25) و نیوبولد و همکاران

(Newbold et al, 2002: 84)، از اصطلاحات «تحلیل محتوای کمی» (روش توصیف عینی، کمی و قاعده مند

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۴۹

حاضر عمدتاً مبتنی بر آن بخش از اجزا و عناصری می‌گردد که محتوای کتاب‌های درسی را در زمینه نقش‌های جنسیتی و اشتغال زنان در قالب‌هایی همچون کلمات و تصاویر به طور آشکار بازنمایی می‌کنند.

### جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه آماری این تحقیق مشتمل بر کلیه کتاب‌های درسی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و تعدادی از کتاب‌های درسی دوره دبیرستان است که در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ در مدارس ایران تدریس شده‌اند. در این تحقیق، کلیه کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب، در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی حجم جامعه آماری (N) و نمونه تحقیق (n) یکسان است که مجموعاً شامل ۳۶ جلد کتاب درسی در دوره ابتدایی (از پایه اول تا پایه پنجم دبستان) و ۳۷ جلد کتاب درسی در دوره راهنمایی (از سال اول تا سال سوم راهنمایی) می‌باشد. به طور دقیق‌تر، کتاب‌های درسی در دوره ابتدایی شامل ۵ جلد کتاب ریاضی، ۵ جلد کتاب علوم تجربی، ۳ جلد کتاب تعلیمات اجتماعی، ۱۰ جلد کتاب فارسی، ۵ جلد کتاب آموزش قرآن، و ۸ جلد کتاب هدیه‌های آسمانی می‌گردد. کتاب‌های درسی در دوره راهنمایی نیز شامل ۳ جلد کتاب ریاضی، ۳ جلد کتاب علوم تجربی، ۳ جلد کتاب تعلیمات اجتماعی، ۳ جلد کتاب جغرافیا، ۳ جلد کتاب تاریخ، ۳ جلد کتاب فارسی، ۳ جلد کتاب آموزش قرآن، ۳ جلد کتاب آموزش زبان انگلیسی، ۳ جلد کتاب آموزش زبان عربی، ۳ جلد کتاب تعلیمات دینی، ۳ جلد کتاب آموزش هنر، ۳ جلد کتاب آموزش حرفه و فن، و ۱ جلد کتاب آمادگی دفاعی (فقط در سال سوم) می‌گردد. در دوره دبیرستان، با توجه به تنوع و تعدد رشته‌های تحصیلی و کتاب‌های درسی ویژه هر یک از رشته‌های تحصیلی، کتاب‌هایی برای نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند که یا به عنوان دروس عمومی برای

---

محتوای آشکار ارتباطات) و «تحلیل محتوای کیفی» (مطالعه ساخت معنایی متن یا محتوا) استفاده کرده‌اند (به نقل از چابکی ۱۳۸۲: ۹۶).

۱ گفتنی است که در پایه‌های اول و دوم ابتدایی، کتاب درسی تعلیمات اجتماعی وجود ندارد و فقط برای پایه‌های سوم، چهارم و پنجم این درس تدریس می‌شود. به علاوه، در درس فارسی در هر پایه تحصیلی، دو کتاب در نظر گرفته شده است که شامل کتاب «فارسی (بخوانیم)» و کتاب «فارسی (بنویسیم)» می‌شود. در این تحقیق، این دو کتاب با هم ترکیب شده و از آن تحت عنوان کتاب فارسی نام برده می‌شود. همچنین، درس هدیه‌های آسمانی برای پایه اول وجود ندارد و برای پایه‌های دوم تا پنجم تدریس می‌شود و در هر پایه تحصیلی شامل دو کتاب (هدیه‌های آسمانی و کتاب کار) می‌شود که در این تحقیق این دو کتاب نیز با هم ترکیب شده و از آن تحت عنوان کتاب «هدیه‌های آسمانی» نام برده می‌شود.

تمامی رشته‌های تحصیلی محسوب می‌شوند و یا کمابیش در بسیاری از رشته‌های تحصیلی تدریس می‌شوند. بر همین اساس، نمونه تحقیق در دوره دبیرستان مجموعاً شامل ۱۹ جلد کتاب درسی (مشمول بر ۳ جلد کتاب دین و زندگی، ۳ جلد کتاب زبان انگلیسی، ۸ جلد کتاب زبان و ادبیات فارسی<sup>۱</sup>، و ۵ جلد کتاب زبان عربی<sup>۲</sup>) می‌باشد. در مجموع، تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق بر روی ۹۲ جلد کتاب درسی مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان انجام می‌گیرد. بدین ترتیب، می‌توان گفت که در مقایسه با تحقیقات پیشین (که در بخش قبلی مرور گردید)، تحقیق حاضر نه تنها از جدیدترین منابع درسی موجود استفاده می‌کند و بالتبع به تقویت ادبیات تحقیق در این حوزه مطالعاتی کمک می‌کند، بلکه طیف به مراتب گسترده‌تر و جامع‌تری از منابع درسی را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد و به همین جهت از این مزیت نیز برخوردار است که می‌تواند ویژگی‌ها و روند تغییرات مرتبط با چگونگی بازنمایی الگوهای اشتغال زنان را با دقت و جزئیات بیشتری (یعنی بر حسب مقاطع تحصیلی ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان، پایه‌های تحصیلی، و عناوین کتاب‌های درسی) مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

## واحد‌ها و اجزای مورد بررسی

در این تحقیق، واحد‌ها و اجزای مورد بررسی شامل واحد عنوان (کتاب‌های درسی دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸)، واحد بررسی (واحد عنوان برحسب هر پایه تحصیلی و به تفکیک هر کتاب درسی)، واحد تحلیل (جنسیت، که شامل مذکر و مونث بودن اسامی و شخصیت‌ها می‌شود) و واحد شمارش (تعداد اسامی و عکس‌ها در یک واحد متن، مشتمل بر هر یک از دروس در یک واحد مورد بررسی) می‌باشد. واقعیت این است که عکس‌ها و تصاویر کتاب‌های درسی، هم کمتر تحت تأثیر تفسیرهای شخصی محقق است، هم پیام روشن‌تر و تأثیر پایدارتری بر ذهن مخاطبین

---

۱ «کتاب‌های زبان فارسی» در دوره دبیرستان، مشتمل بر ۲ جلد کتاب زبان فارسی سال‌های اول و دوم، ۲ جلد کتاب ادبیات فارسی سال‌های اول و دوم، ۱ جلد کتاب زبان فارسی (ویژه رشته‌های ادبیات و علوم انسانی) در سال سوم، ۱ جلد کتاب زبان فارسی (ویژه سایر رشته‌ها) در سال سوم، ۱ جلد کتاب ادبیات فارسی (ویژه رشته‌های ادبیات و علوم انسانی) در سال سوم، و ۱ جلد کتاب ادبیات فارسی (ویژه سایر رشته‌ها) در سال سوم می‌باشد.

۲ «کتاب‌های زبان عربی» در دوره دبیرستان، شامل ۱ جلد کتاب زبان عربی در سال اول، ۱ جلد کتاب زبان عربی (ویژه رشته‌های ادبیات و علوم انسانی) در سال دوم، ۱ جلد کتاب زبان عربی (ویژه سایر رشته‌ها) در سال دوم، ۱ جلد کتاب زبان عربی (ویژه رشته‌های ادبیات و علوم انسانی) در سال سوم، ۱ جلد کتاب زبان عربی (ویژه سایر رشته‌ها) در سال سوم می‌باشد.

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۵۱

می‌گذارند. به عقیده لوو و شرارد (۱۹۹۹)، اشکال کتاب‌های درسی دارای تأثیرات مهمی بر ذهن و ادراک مخاطبانند، زیرا نه تنها جلوه‌های عینی و اجزای قابل مشاهده واقعیت هستند، بلکه در بردارنده معانی ضمنی نیز می‌باشند که ممکنست حتی چنین معانی و تفسیرهایی موردنظر مؤلفین این کتاب‌ها نبوده و چه بسا چنین معانی و تفسیرهایی هیچگاه در داخل متن کتاب نیز ذکر نشده باشند. به همین جهت، آنان استدلال می‌کنند که تصاویر کتاب‌های درسی می‌توانند در بسیاری موارد تأثیرات به مراتب عمیق‌تر و گسترده‌تر از متن این کتاب‌ها بر روی دانش‌آموزان داشته باشند. بنابراین، در این تحقیق نیز سعی شده است تا در هنگام جمع‌آوری داده‌های تحقیق، بیشتر به تصاویر کتاب‌های درسی استناد شود و بر همان اساس نیز چگونگی بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در این کتاب‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

### ابزار و شیوه گردآوری داده‌های تحقیق

مطابق رویه متداول در تحقیقات مبتنی بر تکنیک تحلیل محتوا، ابتدا بر اساس یک مطالعه مقدماتی بر روی کتاب‌های درسی و به منظور جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های موردنیاز در این تحقیق، یک پرسشنامه معکوس طراحی شد. این پرسشنامه در چارچوب سؤالات تحقیق و مشتمل بر مؤلفه‌های اصلی مرتبط با چگونگی بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در کتاب‌های درسی می‌باشد. این مؤلفه‌های اصلی عبارتند از: نقش‌های جنسیتی داخل خانه، نقش‌های جنسیتی خارج خانه (اشتغال زنان)، الگوهای جنسیتی مرتبط با انواع مشاغل زنان و جنسیت مخاطبین زنان شاغل. سپس، پژوهشگران به کمک این پرسشنامه به گردآوری اطلاعات و داده‌های موردنیاز تحقیق در کتاب‌های درسی می‌پردازند. به عبارت دقیق‌تر، این پرسشنامه به پژوهشگران نشان می‌دهد که در هنگام بررسی کتاب‌های درسی، چه اطلاعات و داده‌هایی را باید گردآوری نمایند. به طور مثال، در چارچوب مباحث قبلی در زمینه «واحدها و اجزای مورد بررسی»، تعداد فراوانی‌های مربوط به تصاویری که زنان را در هر یک از انواع مشاغل (مثلاً در نقش معلم مدرسه، پزشک یا پرستار و غیره) در کتاب علوم تجربی سال دوم راهنمایی نشان می‌دهد، در ستون مربوطه این پرسشنامه مشخص می‌شود. ضمن آن‌که، فراوانی هر یک از این موضوعات و مؤلفه‌های اصلی مرتبط با اشتغال زنان باید به تفکیک مقاطع تحصیلی (شامل دبستان، راهنمایی و دبیرستان)، پایه‌های تحصیلی و عناوین کتاب‌های درسی در این پرسشنامه درج و ثبت گردد. در پایان، این اطلاعات و داده‌های گردآوری

شده به تفکیک مقاطع تحصیلی (دیپستان، راهنمایی و دبیرستان)، پایه‌های تحصیلی و عناوین کتاب‌های درسی تجزیه و تحلیل شده است.

سؤالات و فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی نظری تحقیق و روش تحلیل محتوای، در این بخش به مهم‌ترین سؤالات و فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

- مهم‌ترین پرسش تحقیق حاضر معطوف به این نکته اساسی است که با توجه به نقش بنیادین سیستم‌های آموزشی به ویژه منابع درسی در فرآیند جامعه‌پذیری، چگونه نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه در این منابع بازنمایی شده‌اند؟
- به علاوه، طی سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در وضعیت زنان ایران (از جمله در زمینه افزایش تحصیلات و تعدیل سطح باروری) به دست آمده است که زمینه‌های مساعدی را نیز برای افزایش سطح اشتغال آنان فراهم می‌آورد. بر این اساس، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا محتوای متون آموزشی در زمینه بازنمایی نقش‌های جنسیتی و اشتغال زنان با این پیشرفت‌های چشمگیر در وضعیت زنان، مطابقت و همخوانی دارد؟
- مهم‌ترین الگوها و ویژگی‌های مرتبط با بازنمایی اشتغال زنان در این منابع آموزشی کدامند؟
- آیا همجنس بودن مخاطبین زنان شاغل به عنوان ویژگی بازنمایی اشتغال زنان در منابع درسی انعکاس یافته است؟
- در مقایسه با مشاغل مردان، انواع اصلی مشاغل زنان و تنوع شغلی آنان چگونه در متون آموزشی بازنمایی شده‌اند؟
- الگوهای بازنمایی اشتغال زنان در منابع درسی تا چه میزان تحت تأثیر مقاطع تحصیلی و پایه‌های تحصیلی است؟
- عناوین کتاب‌های درسی تا چه اندازه می‌توانند در بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون آموزشی نقش داشته باشند؟

علاوه بر این، مهم‌ترین فرضیه‌های تحقیق حاضر نیز عبارتند از:

- بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۵۳
- به نظر می‌رسد نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه به طور متمایزی بین مردان و زنان در متون درسی بازنمایی شده باست و حضور زنان در کار خارج از خانه به طور ناچیز و کم‌رنگی در متون درسی انعکاس یافته است.
  - علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیری زنان ایران در زمینه افزایش تحصیلات و نگرش مثبت به اشتغال زنان، اما این موفقیت‌ها و پیشرفت‌ها به طوری نامحسوس در منابع آموزشی بازنمایی شده است.
  - به نظر می‌رسد در بازنمایی اشتغال زنان، تنوع شغلی آنان بسیار محدود است.
  - به نظر می‌رسد همجنس بودن مخاطبین زنان شاغل به طور برجسته‌تر و پررنگ‌تری (در مقایسه با همجنس بودن مخاطبین مردان شاغل) در متون آموزشی انعکاس یافته است.
  - اشتغال زنان در مقاطع و پایه‌های تحصیلی پایین‌تر پررنگ‌تر منعکس می‌گردد تا در مقاطع و پایه‌های تحصیلی بالاتر.
  - بازنمایی الگوهای اشتغال زنان تابعی از عناوین کتاب‌های درسی است. به عنوان نمونه، در کتاب‌های دینی و عربی که زبان مذهبی نیز محسوب می‌شود و معمولاً مقوله‌های جنسیتی با دقت و احتیاط بیشتری در متون دینی و زبان مذهبی مورد توجه قرار می‌گیرند و بالتبع، موضوع اشتغال زنان در این دسته از کتاب‌ها کم‌رنگ‌تر منعکس می‌شود. درحالی‌که، در کتاب‌های انگلیسی (به جهت تعلق خاستگاه آن به فرهنگ مغرب زمین)، نقش‌های جنسیتی خارج خانه و اشتغال زنان برجسته‌تر بازتولید می‌گردند. ضمن آن‌که، بررسی بازنمایی اشتغال زنان در سایر عناوین کتاب‌های درسی به صورت اکتشافی در این تحقیق انجام خواهد شد.

### یافته‌های تحقیق

مهم‌ترین نتایج تحقیق حاضر در این بخش مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. این نتایج، حول چهار محور اصلی نقش‌های جنسیتی داخل خانه، نقش‌های جنسیتی خارج خانه (اشتغال زنان)، الگوهای جنسیتی مرتبط با انواع مشاغل زنان و جنسیت مخاطبین زنان شاغل ارائه می‌شود. در این تحقیق، این موضوعات محوری به تفکیک سه مقطع تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان)، پایه‌های تحصیلی و عناوین کتاب‌های درسی، مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

#### بازنمایی نقش‌های جنسیتی داخل خانه

در این تحقیق، تلاش شده است تا الگوهای اصلی که در زمینه نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه در کتاب‌های درسی بازنمایی شده‌اند، معلوم گردد. به طور کلی، نتایج این تحقیق (جدول شماره ۱)، به وضوح نشان دهنده‌ی الگوی سنتی تفکیک جنسیتی نقش‌های داخل خانه می‌باشد. مطابق این نتایج، نقش‌های جنسیتی داخل خانه برای زنان تعریف و تعیین شده و در متن و تصاویر کتاب‌های درسی کلیه مقاطع تحصیلی دبستان، راهنمایی و دبیرستان این الگو به روشنی بازنمایی شده است.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، مردان در انجام کارهای خانگی و مراقبت از فرزندان، حضور و مشارکت ناچیزی دارند.

مطابق نتایج این تحقیق (جدول شماره ۱)، اگرچه این الگوهای سنتی تفکیک نقش‌های جنسیتی داخل خانه، در کتاب‌های درسی کلیه مقاطع تحصیلی مشاهده می‌شود، با این همه، در مقایسه، این الگوها در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بیش از دوره‌های راهنمایی و دبیرستان بازنمایی شده است. به عنوان مثال، در تصاویر کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، ۸۰ درصد کارهای خانگی و مراقبت از فرزندان توسط زنان و تنها ۲۰ درصد باقیمانده توسط مردان انجام می‌شود. درحالی‌که، این نسبت‌ها در کتاب‌های دوره راهنمایی به ترتیب ۷۲ و ۲۸ درصد و در کتاب‌های دبیرستان نیز به ترتیب ۷۵ و ۲۵ درصد می‌باشد. ضمن آنکه، این الگوهای سنتی تفکیک نقش‌های جنسیتی داخل خانه، به طور برجسته‌تری در تصاویر کتاب‌های درسی بازتاب یافته است تا در متن این کتاب‌ها. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند به موازات افزایش پایه تحصیلی، الگوی سنتی تفکیک نقش‌های جنسیتی داخل خانه به طور برجسته‌تری در کتاب‌های درسی ابتدایی و راهنمایی به تصویر کشیده شده است. به طور مثال، در تصاویر کتاب‌های درسی پایه اول دبستان، مردان در انجام حدود یک سوم کارهای داخل خانه و مراقبت از فرزندان مشارکت دارند، درحالی‌که این میزان مشارکت مردان در کتاب‌های درسی پایه‌های چهارم و پنجم دبستان به کمتر از ۱۰ درصد تنزل می‌یابد. با این همه، این الگو در کتاب‌های دوره دبیرستان ملاحظه نمی‌شود.

<sup>۱</sup> این الگوی سنتی نقش‌های جنسیتی به روشنی در این ضرب المثل انگلیسی نیز متبلور شده است که «خانه یک مرد همچون یک قصر، محل آسایش و رفاه اوست درحالی‌که خانه زن همان مکانی است که او باید باشد» (نقل به مضمون از لی و کولینز ۲۰۰۸: ۱۲۹).

"A man's home is his castle, and a woman's place is in the home"



بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۵۵

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی و نسبی تصاویر و متن کتاب‌های درسی مرتبط با

نقش‌های جنسیتی داخل خانه به تفکیک مقطع و پایه تحصیلی

بر حسب متن کتاب:			بر حسب تصاویر کتاب:			مقطع و پایه تحصیلی
انجام امور خانگی و مراقبت از فرزندان			انجام امور خانگی و مراقبت از فرزندان			
جمع فراوانی	توسط مردان	توسط زنان	جمع فراوانی	توسط مردان	توسط زنان	
۹۵	۳۳/۷	۶۶/۳	۱۲۸	۱۹/۵	۸۰/۵	مقطع دبستان
۴	۲۵/۰	۷۵/۰	۵۸	۳۲/۸	۶۷/۲	پایه اول
۱۳	۱۵/۴	۸۴/۶	۲۲	۹/۱	۹۰/۹	پایه دوم
۳۵	۴۸/۶	۵۱/۴	۱۸	۱۱/۱	۸۸/۹	پایه سوم
۲۹	۱۷/۲	۸۲/۸	۱۸	۵/۶	۹۴/۴	پایه چهارم
۱۴	۵۰/۰	۵۰/۰	۱۲	۸/۳	۹۱/۷	پایه پنجم
۹۵	۳۵/۸	۶۴/۲	۶۰	۲۸/۳	۷۱/۷	مقطع راهنمایی
۲۶	۳۸/۵	۶۱/۵	۲۱	۳۸/۱	۶۱/۹	سال اول
۲۸	۵۳/۶	۴۶/۴	۲۲	۲۷/۳	۷۲/۷	سال دوم
۴۱	۲۲/۰	۸/۰	۱۷	۱۷/۶	۸۲/۴	سال سوم
۱۲۴	۲۸/۲	۷۱/۸	۲۸	۲۵/۰	۷۵/۰	مقطع متوسطه
۲۰	۱۵/۰	۸۵/۰	۱۲	۱۶/۷	۸۳/۳	سال اول
۲۸	۲۱/۴	۷۸/۶	۸	۱۲/۵	۸۷/۵	سال دوم
۷۶	۳۴/۲	۶۵/۸	۸	۵۰/۰	۵۰/۰	سال سوم
۳۱۴	۳۲/۲	۶۷/۸	۲۱۶	۲۲/۷	۷۷/۳	جمع کل

بازنمایی نقش‌های جنسیتی خارج خانه و اشتغال زنان

از سوی دیگر، نتایج این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که نقش‌های جنسیتی خارج خانه به طور کاملاً متفاوتی در کتاب‌های درسی بازنمایی شده است. مطابق نتایج این تحقیق (جدول شماره ۲) به طور متوسط، کمتر از یک چهارم کل تصاویر کتاب‌های درسی در زمینه اشتغال خارج از خانه، به اشتغال زنان تخصیص یافته است. بدین ترتیب، اشتغال خارج از خانه اصولاً به عنوان یک «موضوع مردانه» تلقی گردیده و در کتاب‌های درسی نیز به روشنی بازنمایی شده است. مطابق نتایج این تحقیق، این الگو به وضوح در تمامی کتاب‌های درسی دوره‌های دبستان، راهنمایی و دبیرستان به تصویر کشیده شده است. این نتایج نشان می‌دهد که به طور کلی، بیش از سه چهارم تصاویر مربوط به اشتغال خارج خانه در کتاب‌های درسی دوره‌های دبستان، راهنمایی و دبیرستان به اشتغال مردان اختصاص یافته است و تنها در حدود یک چهارم باقی‌مانده به اشتغال زنان تخصیص یافته است. علاوه بر این، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در کتاب‌های درسی دوره‌های دبستان و راهنمایی، یک رابطه معکوس بین میزان حضور زنان در ایفای نقش‌های خارج خانه و پایه تحصیلی وجود دارد، به طوری که به موازات بالا رفتن پایه تحصیلی، مشارکت زنان در زمینه اشتغال خارج خانه کم‌رنگ‌تر به تصویر کشیده می‌شود. به عنوان مثال، در کتاب‌های درسی پایه‌های اول و دوم دبستان، مشارکت زنان در زمینه اشتغال خارج خانه بالنسبه برجسته‌تری به تصویر کشیده شده است، درحالی‌که در پایه‌های تحصیلی بالاتر، الگوی «مرد، نان آور خانوار» به طور کاملاً چشمگیرتری نمایان می‌گردد. در عین حال، این الگو در کتاب‌های دوره دبیرستان مشاهده نمی‌شود که کمابیش ناشی از این واقعیت است که تعداد تصاویر مربوط به انجام کارهای خارج خانه و اشتغال در این کتاب‌ها اندک می‌باشد. بنابر این، می‌توان استدلال کرد که هر چه تعداد این تصاویر بیشتر باشد، پتانسیل بیشتری نیز برای بروز تفاوت‌های جنسیتی وجود خواهد داشت و در نتیجه، الگوی مربوط به روند نزولی تصاویر اشتغال زنان به تبع افزایش پایه‌های تحصیلی نیز به طور برجسته‌تری در کتاب‌های درسی به تصویر کشیده می‌شود. در متن کتاب‌های درسی نیز این الگوهای کلی کمابیش ملاحظه می‌گردد. ضمن آن‌که، در متن کتاب‌های درسی این الگو به طور بسیار برجسته‌تری انعکاس یافته است که هر چه فراوانی‌های مرتبط با نقش‌های جنسیتی خارج از خانه افزایش می‌یابد، تفاوت‌های جنسیتی مرتبط با اشتغال نیز شدت می‌گیرد. به عنوان مثال، تعداد کل موارد مرتبط با اشتغال در متن کتاب‌های درسی دوره دبیرستان دو برابر تعداد کل موارد مرتبط با اشتغال در متن کتاب‌های درسی دوره دبستان است و بالتبع، نسبت موارد تخصیص یافته به اشتغال زنان در متن

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۵۷

کتاب‌های دوره دبیرستان بسیار کمتر است تا نسبت آن در کتاب‌های دوره دبستان. به طوری که، تعداد موارد تخصیص یافته به اشتغال زنان در کتاب‌های دوره دبیرستان تقریباً نصف مواردی است که در کتاب‌های دوره دبستان به اشتغال زنان اختصاص یافته است (به ترتیب، در حدود ۱۲ و ۲۸ درصد).

**جدول شماره (۲): توزیع فراوانی و نسبی تصاویر و متن کتاب‌های درسی مرتبط با نقش‌های جنسیتی خارج خانه (اشتغال) به تفکیک مقطع و پایه تحصیلی**

متن کتاب				تصاویر کتاب				مقطع و پایه تحصیلی
جمع فراوانی	اشتغال مردان	سایر موارد اشتغال زنان**	اشتغال سنتی زنان *	جمع فراوانی	اشتغال مردان	سایر موارد اشتغال زنان**	اشتغال سنتی زنان *	
۳۰۰	۷۱/۳	۲۲/۰		۴۳۹	۷۴/۵	۱۹/۴	۶/۱	مقطع دبستان
۱۳	۶۱/۵	۷/۷	۳۰/۸	۱۱۵	۷۲/۲	۲۰/۹	۶/۹	پایه اول
۴۳	۵۸/۲	۳۹/۵	۲/۳	۷۷	۶۳/۶	۳۰/۰	۶/۴	پایه دوم
۸۲	۶۷/۰	۲۹/۳	۳/۷	۶۸	۶۹/۱	۳۰/۶	۱۰/۳	پایه سوم
۳۴	۷۳/۶	۱۷/۶	۸/۸	۵۷	۸۶/۰	۷/۰	۷/۰	پایه چهارم
۱۲۸	۷۸/۹	۱۴/۱	۷/۰	۱۲۲	۸۱/۱	۱۶/۴	۲/۵	پایه پنجم
۴۰۱	۷۹/۱	۲۰/۴	۰/۵	۵۰۲	۷۸/۷	۱۶/۵	۴/۸	مقطع راهنمایی
۱۴۶	۷۹/۴	۱۹/۲	۱/۴	۱۴۵	۷۳/۱	۲۰/۰	۶/۹	سال اول
۷۰	۸۴/۳	۱۵/۷	۰/۰	۱۸۵	۷۸/۴	۱۸/۴	۳/۲	سال دوم
۱۸۵	۷۶/۸	۲۳/۲	۰/۰	۱۷۲	۸۳/۷	۱۱/۶	۴/۷	سال سوم
۶۲۲	۸۸/۱	۱۰/۹	۱/۰	۱۲۲	۷۴/۶	۲۰/۵	۴/۹	مقطع متوسطه
۸۳	۶۳/۹	۳۳/۷	۲/۴	۶۳	۷۳/۰	۲۲/۲	۴/۸	سال اول
متن کتاب				تصاویر کتاب				مقطع و پایه تحصیلی
جمع فراوانی	اشتغال مردان	سایر موارد اشتغال زنان**	اشتغال سنتی زنان *	جمع فراوانی	اشتغال مردان	سایر موارد اشتغال زنان**	اشتغال سنتی زنان *	
۱۹۵	۸۹/۸	۹/۷	۰/۵	۵۱	۸۲/۴	۱۳/۷	۳/۹	سال دوم

سال سوم	۱۲/۵	۵۰/۰	۳۷/۵	۸	۰/۹	۶/۱	۹۳/۰	۳۴۴
جمع کل	۵/۴	۱۸/۱	۷۶/۵	۱۰۶۳	۱/۲	۱۶/۳	۸۱/۶	۱۳۲۳

\* در اینجا، اشتغال سنتی زنان شامل آن دسته از فعالیت‌های زنان مانند دامداری، قالیبافی و نخ ریزی می‌گردد که معمولاً در محیط خانه انجام می‌گیرد.

\*\* اطلاعات تفصیلی در زمینه سایر موارد اشتغال زنان، در جداول بعدی آورده می‌شود.

نتایج این تحقیق، تفاوت‌های جنسیتی در زمینه بازنمایی اشتغال خارج از خانه را به تفکیک مقاطع تحصیلی و کتاب‌های درسی نشان می‌دهد (جدول شماره ۳). مطابق این نتایج، الگوی کلی فوق‌الذکر تقریباً در تمامی کتاب‌های درسی نیز حاکم است. بدین معنا که تقریباً در هر یک از کتاب‌های درسی حداقل ۶۵ درصد تصاویر مربوط به کارهای خارج خانه، اشتغال مردان را نمایش می‌دهد و نسبت اندکی باقیمانده اشتغال زنان را انعکاس می‌دهد. با این همه، مطابق نتایج این تحقیق، تفاوت‌های کمابیش معنا داری در خصوص چگونگی انعکاس اشتغال زنان به تفکیک کتاب‌های درسی مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، در کتاب‌های دینی به طور بسیار کم‌رنگی به موضوع اشتغال زنان پرداخته شده است، به طوری که از مجموع ۳۷ و ۹ تصویر اشتغال در کتاب‌های هدیه‌های آسمانی دوره دبستان و کتاب‌های دینی دوره راهنمایی، به ترتیب، تنها ۳ تصویر (۸/۱ درصد) و ۱ تصویر (۱۱/۱ درصد) به اشتغال زنان تخصیص یافته است. در عین حال، در بسیاری از سایر کتاب‌های دوره راهنمایی از جمله ریاضی، تاریخ، جغرافیا و هنر نیز به طور بسیار کم‌رنگی به موضوع اشتغال زنان پرداخته شده است به طوری که به جهت قلت چشمگیر فراوانی‌های اشتغال زنان در جدول مربوطه (جدول شماره ۳) نیز منظور نشده‌اند<sup>۱</sup>. از سوی دیگر، در برخی کتاب‌های درسی موضوع اشتغال زنان نسبتاً جدی‌تری مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال، در کتاب‌های زبان انگلیسی و آموزش حرفه و فن دوره راهنمایی و کتاب زبان عربی دوره دبیرستان نزدیک به یک سوم تصاویر مربوط به اشتغال در هر یک از این کتاب‌ها به انعکاس اشتغال

<sup>۱</sup> تعداد تصاویر اشتغال زنان در کتاب‌های دوره راهنمایی در کتاب‌های علوم تجربی ۳ مورد (از مجموع ۵۳ تصویر اشتغال در این کتاب‌ها)، در کتاب‌های جغرافیا ۴ مورد (از مجموع ۱۵ تصویر اشتغال در این کتاب‌ها) و در کتاب‌های ریاضی ۳ مورد (از مجموع ۱۵ تصویر اشتغال در این کتاب‌ها) می‌باشد. ضمن آن‌که، از تعداد کل ۵۴ تصویر مربوط به اشتغال در کتاب‌های تاریخ، هنر، آموزش قرآن و تعلیمات دینی دوره راهنمایی، هیچگونه تصویر اشتغال زنان وجود ندارد.

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۵۹

زنان تخصیص یافته است. با این همه، برجسته‌ترین استثناء در این زمینه، کتاب‌های درسی آموزش قرآن دوره دبستان است که در آن تصاویر اشتغال زنان بالنسبه بیش از تصاویر اشتغال مردان است (به ترتیب، ۵۷ درصد و ۴۳ درصد). گفتنی است که در کتاب‌های درسی آموزش قرآن دوره دبستان، نسبت زیادی از تصاویر مربوط به اشتغال به انعکاس شغل معلمی اختصاص یافته و زنان نیز عمدتاً در چنین نقشی ظاهر می‌شوند که در ادامه با تفصیل بیشتری به آن پرداخته می‌شود. در متن کتاب‌های درسی نیز کمابیش تفاوت‌هایی در زمینه چگونگی بازتاب اشتغال زنان ملاحظه می‌گردد. به عنوان مثال، در متن کتاب‌های فارسی دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، در مقایسه با برخی کتاب‌های درسی دیگر (به ویژه، کتاب‌های زبان انگلیسی، زبان عربی، حرفه و فن، و تعلیمات اجتماعی)، موضوع اشتغال زنان به طور بسیار کم‌رنگ‌تری مورد توجه واقع شده است.

**جدول شماره (۳): توزیع فراوانی و نسبی تصاویر و متن کتاب‌های درسی مرتبط با نقش‌های جنسیتی خارج خانه (اشتغال) به تفکیک مقطع و کتاب‌های درسی**

متن کتاب				تصاویر کتاب				مقطع تحصیلی و کتاب درسی
جمع فراوانی	اشتغال مردان	سایر موارد اشتغال زنان	اشتغال سنتی زنان *	جمع فراوانی	اشتغال مردان	سایر موارد اشتغال زنان	اشتغال سنتی زنان *	
۳۰۰	۷۱/۳	۲۲/۰	۶/۷	۴۳۹	۷۴/۵	۱۹/۴	۶/۱	مقطع دبستان
۲۹	۶۲/۱	۰/۰	۳۷/۹	۴۰	۸۰/۰	۱۲/۵	۷/۵	ریاضی
متن کتاب				تصاویر کتاب				مقطع تحصیلی و کتاب درسی
جمع فراوانی	اشتغال مردان	سایر موارد اشتغال زنان	اشتغال سنتی زنان *	جمع فراوانی	اشتغال مردان	سایر موارد اشتغال زنان	اشتغال سنتی زنان *	
۳	۳۳/۳	۶۶/۷	۰/۰	۴۱	۷۳/۲	۱۹/۵	۷/۳	علوم تجربی
۲۴	۶۲/۵	۳۳/۳	۴/۲	۳۹	۷۱/۸	۱۲/۸	۱۵/۴	تعلیمات اجتماعی
۵۸	۷۵/۳	۲۰/۳	۴/۴	۲۴۵	۷۶/۳	۱۸/۰	۵/۷	فارسی
۸	۸۷/۵	۱۲/۵	۰/۰	۳۷	۴۳/۲	۵۶/۸	۰/۰	آموزش قرآن
۷۸	۶۹/۲	۲۹/۵	۱/۳	۳۷	۸۹/۲	۸/۱	۲/۷	هدیه‌های آسمانی
۴۰۱	۷۹/۱	۲۰/۴	۰/۵	۵۰۲	۸/۷	۱۶/۵	۴/۸	مقطع راهنمایی

								**
۷۵	۹۳/۴	۵/۳	۱/۳	۲۰	۸۵/۰	۵/۰	۱۰/۰	فارسی
۸۵	۷۱/۸	۲۸/۲	۰/۰	۹۰	۶۷/۸	۳۱/۱	۱/۱	زبان انگلیسی
۵۹	۵۲/۵	۴۷/۵	۰/۰	۸۰	۷۶/۲	۱۸/۸	۵/۰	زبان عربی
۷	۷۱/۴	۱۴/۳	۱۴/۳	۳۷	۷۸/۴	۱۳/۵	۸/۱	تعلیمات اجتماعی
۵۹	۶۶/۱	۳۳/۹	۰/۰	۹۴	۶۴/۹	۲۷/۷	۷/۴	آموزش حرفه و فن
۶۲۲	۸۸/۱	۱۰/۹	۱/۰	۱۲۲	۷۴/۶	۲۰/۵	۴/۹	مقطع متوسطه
۴۷۵	۹۲/۳	۷/۲	۰/۵	۱۴	۷۸/۶	۰/۰	۲۱/۴	زبان و ادبیات فارسی
۴۶	۵۶/۵	۴۳/۵	۰/۰	۷۴	۶۸/۹	۲۷/۰	۱/۴	زبان عربی
۷۷	۷۶/۶	۱۸/۲	۵/۲	۳۴	۸۵/۳	۱۴/۷	۰/۰	زبان انگلیسی
۲۴	۱۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	دین و زندگی
۱۳۳۳	۸۱/۶	۱۶/۳	۱/۲	۱۰۶۳	۷۶/۵	۱۸/۱	۵/۴	جمع کل

\* در اینجا، اشتغال سنتی زنان شامل آن دسته از فعالیت‌های زنان مانند دامداری، قالی‌بافی و نخ‌ریسی می‌گردد که معمولاً در محیط خانه انجام می‌گیرد.

\*\* در مقطع راهنمایی، آن دسته از کتاب‌هایی که در آن‌ها تعداد فراوانی‌های مربوط به اشتغال زنان اندک می‌باشد، در این جدول نشان داده نشده‌اند. اما، فراوانی‌های آن‌ها در جمع کل دوره راهنمایی منظور شده است.

### الگوهای جنسیتی مرتبط با انواع مشاغل زنان

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی بسیار گسترده و عمیقی در زمینه انواع مشاغل در کتاب‌های درسی وجود دارد. مطابق این نتایج (جدول شماره ۴)، مشاغل بسیار محدود و معینی برای زنان شاغل در کتاب‌های درسی به تصویر کشیده شده است. درحالی‌که، این وضعیت در زمینه اشتغال مردان کاملاً متفاوت است. بدین معنا که نه تنها نسبت چشمگیری از متن و تصاویر مربوط به اشتغال در

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۶۱

کتاب‌های درسی به مردان اختصاص یافته است، بلکه مشاغل آنان نیز از طیف بسیار گسترده و متنوعی برخوردار است (شامل مواردی از قبیل پزشکی، غواص، دانشمند و پژوهشگر، سیاستمدار، خبرنگار، خلبان، مأمور آتش‌نشانی، نجار، کشاورز، دامدار، سفالگر، طلاساز و جواهر فروش، پستیچی، راننده، مأمور راه آهن، نویسنده، فضاورد، نقاش و هنرمند، تاجر و غیره). در هر حال، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که متداول‌ترین نوع شغل زنان، معلمی است و زنان شاغل در این کتاب‌ها، در درجه نخست و به طور چشمگیری در نقش معلم ظاهر شده‌اند. به عنوان مثال، تقریباً ۷۰ درصد زنان شاغل در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به عنوان معلم به تصویر کشیده شده‌اند. این نسبت در کتاب‌های دوره‌های راهنمایی و دبیرستان به ترتیب ۲۴ و ۸۴ درصد می‌باشد. پس از معلمی، زنان عمدتاً در شغل پرستاری در این کتاب‌ها به تصویر کشیده شده‌اند. در واقع، در هر یک از کتاب‌های درسی دوره‌های ابتدایی و دبیرستان، الگوی شغلی حدود ۸۵ درصد زنان شاغل، ترکیبی از مشاغل معلمی و پرستاری است. این نسبت در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی نزدیک به ۴۵ درصد می‌باشد که در حدود نیمی از زنان شاغل در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی، در گروه سایر مشاغل (شامل خیاطی، ملیله کاری و گلدوزی، کتابداری، خطاطی و مربی نقاشی و نویسندگی) به تصویر کشیده شده‌اند. نکته مهم دیگر، حضور بسیار کم‌رنگ زنان در مشاغل تخصصی به عنوان پزشک است که به وضوح در کتاب‌های درسی بازنمایی شده است. به طوری که، تنها ۸ تصویر (یعنی ۴ درصد) از مجموع ۱۹۹ تصویر زنان شاغل در تمامی کتاب‌های درسی، آن‌ها را در مشاغل تخصصی به عنوان پزشک نشان می‌دهد. در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، به ترتیب، ۴ تصویر (۴/۶ درصد)، ۳ تصویر (۳/۴ درصد) و ۱ تصویر (۴/۰ درصد) از مجموع تعداد تصاویر زنان شاغل در کتاب‌های درسی هر یک از این مقاطع تحصیلی، زنان را در مشاغل تخصصی به عنوان پزشک نشان می‌دهد. این الگوهای شغلی زنان در متن این کتاب‌های درسی نیز به وضوح بازنمایی شده است. بدین معنا که، در متن کتاب‌های درسی دوره‌های دبستان، راهنمایی و دبیرستان نیز اکثریت برجسته زنان شاغل در وهله نخست در شغل معلمی و سپس در شغل پرستاری معرفی و بیان شده‌اند. در بررسی تطبیقی الگوهای شغلی زنان در کتاب‌های درسی مقاطع تحصیلی مختلف، دو نکته قابل توجه وجود دارد. اولاً، در کتاب‌های درسی مقطع دبیرستان بیش از کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی، زنان در شغل معلمی ظاهر شده‌اند. ثانیاً، زنان شاغل در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی، بیشتر به عنوان پرستار معرفی شده‌اند تا در کتاب‌های درسی دوره‌های دبستان و

دبیرستان. ضمن آن که، این دو نکته اصلی، هم در متن و هم در تصاویر این کتاب‌های درسی مشاهده شده است.

مطالعه این الگوهای شغلی زنان به تفکیک پایه‌های تحصیلی نشان دهنده تفاوت‌های کمابیش برجسته‌ای است. به طور نمونه درحالی که بیش از ۹۰ درصد زنان شاغل در کتاب‌های پایه اول تحصیلی دبستان به عنوان معلم به تصویر کشیده شده‌اند، این نسبت در پایه‌های تحصیلی بالاتر تا حدودی تقلیل می‌یابد و در عوض، نسبت بیشتری از زنان شاغل در کتاب‌های درسی پایه‌های تحصیلی بالاتر به عنوان پرستار ظاهر شده‌اند به طوری که همچنان حدود ۹۰ درصد زنان شاغل کتاب‌های پایه‌های چهارم و پنجم دبستان در ترکیبی از مشاغل معلمی و پرستاری به تصویر کشیده شده‌اند. در دوره راهنمایی، به موازات افزایش پایه تحصیلی، از یکسو، نسبت بیشتری از زنان شاغل به عنوان معلم ظاهر شده‌اند و از سوی دیگر، نسبت زنان پرستار تقلیل می‌یابد، اما همچنان حدود نیمی از زنان شاغل در کتاب‌های هر یک از پایه‌های تحصیلی در دوره راهنمایی در ترکیبی از مشاغل معلمی و پرستاری به تصویر کشیده شده‌اند. در دوره دبیرستان، با توجه به فراوانی‌های بسیار اندک تصاویر اشتغال زنان، روند برجسته‌ای در زمینه الگوی شغلی زنان بر حسب پایه تحصیلی مشاهده نمی‌شود. به طور مثال، از مجموع ۱۴ تصویر زنان شاغل در کتاب‌های سال اول دبیرستان، ۱۳ مورد آن معلم و ۱ مورد نیز پرستار و در کتاب‌های سال دوم دبیرستان نیز تمامی ۷ تصویر زنان شاغل، معلم می‌باشند. این الگوها، کمابیش در متن کتاب‌های درسی نیز به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، تمامی ۱۸ مورد مرتبط با موضوع اشتغال زنان در متن کتاب‌های درسی پایه‌های اول و دوم ابتدایی منحصر به شغل معلمی می‌باشد، ولی در پایه‌های بالاتر، یک روند نزولی را طی می‌کند و در عوض، بر تعداد زنان در سایر مشاغل (شامل خیاطی، ملیله کاری و گلدوزی، کتابداری، خطاطی و مربی نقاشی و نویسندگی) افزوده می‌شود. این الگو در متن کتاب‌های درسی دبیرستان نیز صادق است. بر عکس، در متن کتاب‌های درسی دوره راهنمایی، نه تنها به موازات افزایش پایه تحصیلی بر تعداد زنان شاغل به عنوان معلم افزوده می‌شود، بلکه توزیع نامتوازن زنان شاغل در انواع اصلی مشاغل آنان (یعنی، معلم، پرستار/پزشک) نیز کمتر مشاهده می‌شود.

**جدول شماره (۴): توزیع فراوانی و نسبی تصاویر و متن کتاب‌های درسی مرتبط با**

**انواع اصلی**



مشاغل زنان به تفکیک مقطع و پایه تحصیلی

متن کتاب					تصاویر کتاب					مقطع و پایه تحصیلی
جمع فراوانی	سایر*	پزشک	پرستار	معلم	جمع فراوانی	سایر*	پزشک	پرستار	معلم	
۶۶	۳۱/۸	۳/۰	۱/۵	۶۳/۶	۸۶	۱۲/۸	۴/۶	۱۲/۸	۶۹/۸	مقطع دبستان
۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۰/۰	۲۴	۰/۰	۸/۳	۰/۰	۹۱/۷	پایه اول
۱۷	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۰/۰	۲۳	۱۳/۱	<sup>۳</sup> / <sub>۴</sub>	۲۶/۱	۵۶/۵	پایه دوم
۲۴	۸/۳	۴/۲	۴/۲	۸۳/۳	۱۵	۴۶/۷	۰/۰	۶/۶	۴۶/۷	پایه سوم
۶	۵۰/۰	۰/۰	۰/۰	۵۰/۰	۴	۰/۰	۰/۰	۲۵/۰	۷۵/۰	پایه چهارم
۱۸	۸۸/۸	۵/۶	۰/۰	۵/۶	۲۰	۵/۰	۵/۰	۱۵/۰	۷۵/۰	پایه پنجم
متن کتاب					تصاویر کتاب					مقطع و پایه تحصیلی
جمع فراوانی	سایر*	پزشک	پرستار	معلم	جمع فراوانی	سایر*	پزشک	پرستار	معلم	
۸۲	۴۲/۷	۴/۹	۱۳/۴	۳۹/۰	۸۸	۵۳/۴	۳/۴	۱۹/۳	۲۳/۹	مقطع راهنمایی
۲۸	۲۸/۶	۱۴/۲	۲۸/۶	۲۸/۶	۳۱	۴۵/۱	۹/۷	۲۵/۸	۱۹/۴	سال اول
۱۱	۳۶/۴	۰/۰	۲۷/۲	۳۶/۴	۳۴	۵۸/۸	۰/۰	۱۴/۷	۲۶/۵	سال دوم
۴۳	۵۳/۵	۰/۰	۰/۰	۴۶/۵	۲۳	۵۶/۵	۰/۰	۱۷/۴	۲۶/۱	سال سوم
۶۸	۱۷/۷	۱/۵	۲/۹	۷۷/۹	۲۵	۴/۰	۴/۰	۸/۰	۸۴/۰	مقطع متوسطه
۲۸	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۰/۰	۱۴	۰/۰	۰/۰	۷/۱	۹۲/۹	سال اول
۱۹	۵/۳	۰/۰	۰/۰	۹۴/۷	۷	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۰/۰	سال دوم
۲۱	۵۲/۴	۴/۸	۹/۵	۳۳/۳	۴	۲۵/۰	۲۵/۰	۲۵/۰	۲۵/۰	سال سوم
۲۱۶	۳۱/۵	۳/۲	۶/۵	۵۸/۸	۱۹۹	۲۹/۶	۴/۰	۱۵/۱	۵۱/۳	جمع کل

\* در اینجا، سایر مشاغل زنان عمدتاً شامل مشاغلی از قبیل خیاطی، ملیله کاری و گلدوزی، کتابداری، خطاطی و مربی نقاشی و نویسندگی می‌شود.

علاوه بر این، تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق در زمینه نوع مشاغل اصلی زنان به تفکیک عنوان کتاب‌های درسی (جدول شماره ۵) نیز مبین این نکته است که الگوهای اصلی فوق کمابیش در تمامی کتاب‌های درسی مشاهده می‌شود، بدین معنا که به طور کلی، الگوی شغلی زنان در اغلب این کتاب‌ها در درجه اول، شغل معلمی و سپس شغل پرستاری است. مطابق نتایج این تحقیق، چشمگیرترین حضور زنان در شغل معلمی در کتاب‌های آموزش قرآن مقطع دبستان و کتاب‌های زبان عربی مقطع دبیرستان می‌باشد به طوری که از مجموع ۲۰ تصویر زنان شاغل در هر یک از این دو دسته کتاب‌های درسی، ۱۹ تصویر (۹۵.۰ درصد) زنان را در شغل معلمی نشان می‌دهد. ضمن آنکه، تنها تصویر زن شاغل در کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی نیز در نقش معلمی ظاهر شده است. نکته مهم دیگر این است که در کتاب‌های زبان انگلیسی، زنان شاغل عمدتاً در شغل پرستاری معرفی شده‌اند به طوری که حتی در کتاب‌های زبان انگلیسی دوره راهنمایی به طور بی‌سابقه‌ای تعداد زنان پرستار تاحدودی بیش از تعداد زنان معلم می‌باشد. از سوی دیگر، حضور زنان در مشاغل تخصصی به عنوان پزشک به طور بسیار کم‌رنگی در کتاب‌های درسی به تصویر کشیده است. در کتاب‌های درسی مقطع دبستان، تنها در کتاب‌های علوم تجربی، زنان را در مشاغل تخصصی به عنوان پزشک نشان می‌دهد (۴ تصویر از مجموع ۹ تصویر زنان شاغل). در کتاب‌های درسی مقطع راهنمایی نیز تنها در کتاب‌های زبان انگلیسی ( ۱ تصویر از مجموع ۳۳ تصویر زنان شاغل)، زبان عربی ( ۱ تصویر از مجموع ۱۵ تصویر زنان شاغل) و تعلیمات اجتماعی ( ۱ تصویر از مجموع ۵ تصویر زنان شاغل)، زنان را در مشاغل تخصصی به عنوان پزشک نشان می‌دهد. در کتاب‌های درسی مقطع دبیرستان نیز تنها در کتاب‌های زبان انگلیسی ( ۱ تصویر از مجموع ۵ تصویر زنان شاغل)، زنان در مشاغل تخصصی به عنوان پزشک نشان داده شده‌اند. نکته جالب توجه آنکه، بیشترین تعداد تصاویر زنان شاغل در کتاب‌های فارسی دوره دبستان وجود دارد (۴۴ تصویر)، اما هیچکدام از این تصاویر زنان را در مشاغل تخصصی به عنوان پزشک نشان نمی‌دهد. در متن کتاب‌های درسی نیز این الگوهای شغلی زنان کمابیش ملاحظه می‌شود. در مجموع، موضوع اشتغال زنان در بسیاری از کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی بیشتر در تصاویر این کتاب‌ها مورد توجه

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۶۵

قرار گرفته است تا در متن آن‌ها. درحالی‌که، وضعیت کمابیش متفاوتی در کتاب‌های درسی دوره دبیرستان مشاهده می‌گردد. به عنوان مثال، در کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی هیچ‌گونه تصویری در زمینه اشتغال غیر سنتی زنان مشاهده نمی‌شود (در برابر ۱۱ تصویر اشتغال مردان)، و حال آنکه، در متن همین کتاب‌ها به ۳۴ مورد اشتغال زنان اشاره شده است که قریب به ۶۰ درصد آن‌ها نیز شغل معلمی است. نکته قابل ملاحظه دیگر مربوط به چگونگی بازنمایی الگوی شغلی زنان در کتاب‌های آموزش حرفه و فن دوره راهنمایی است، بدین معنا که، تنوع شغلی زنان در این کتاب‌ها به مراتب بیش از سایر کتاب‌های درسی است: اغلب زنان شاغل (بیش از ۸۰ درصد) در متن و تصاویر این کتاب‌های درسی در مشاغلی به غیر از معلم و پرستار و پزشک بیان و ظاهر شده‌اند که عمدتاً شامل مشاغلی همچون خیاطی، ملیله کاری و گلدوزی، کتابداری، خطاطی و مربی نقاشی و نویسندگی می‌شود.

**جدول شماره (۵): توزیع فراوانی و نسبی تصاویر و متن کتاب‌های درسی مرتبط با انواع اصلی مشاغل زنان به تفکیک مقطع تحصیلی و کتاب‌های درسی**

مقطع تحصیلی و کتاب درسی	تصاویر کتاب					متن کتاب				
	معلم	پرستار	پزشک	سایر*	کل	معلم	پرستار	پزشک	سایر*	کل
مقطع دبستان	۶۹/۸	۱۲/۸	۴/۶	۱۲/۸	۸۶	۳۶/۶	۱/۵	۳/۰	۳۱/۸	۶۶
ریاضی	۴۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۵	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰
علوم تجربی	۵۵/۶	۰/۰	۴۴/۴	۰/۰	۹	۱۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲
تعلیمات اجتماعی	۶۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۵	۳۷/۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۳۷/۵	۸
فارسی	۶۵/۹	۲۰/۵	۰/۰	۱۳/۶	۴۴	۸۷/۵	۰/۰	۳/۱	۹/۴	۳۲
آموزش قرآن	۹۵/۰	۵/۰	۰/۰	۰/۰	۲۰	۱۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱
هدیه‌های آسمانی	۷۵/۰	۲۵/۰	۰/۰	۰/۰	۴	۳۴/۸	۰/۰	۰/۰	۶۵/۲	۲۳

۸۲	۴۲/۷	۴/۹	۱۳/۴	۳۹/۰	۸۸	۵۳/۴	۳/۴	۱۹/۳	۲۳/۹	مقطع راهنمایی **
۴	۱۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۰/۰	فارسی
۲۴	۱۲/۵	۴/۲	۴۵/۸	۳۷/۵	۳۳	۲۱/۲	۳/۰	۳۹/۴	۳۶/۴	انگلیسی
۲۸	۱۰/۷	۱۰/۷	۰/۰	۷۸/۶	۱۵	۴۶/۷	۶/۶	۰/۰	۴۶/۷	عربی
۱	۱۰۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۵	۸۰/۰	۲۰/۰	۰/۰	۰/۰	تعلیمات اجتماعی
۲۰	۹۵/۰	۰/۰	۰/۰	۵/۰	۲۶	۸۴/۶	۰/۰	۱۵/۴	۰/۰	آموزش حرفه و فن
۶۸	۱۷/۷	۱/۵	۲/۹	۷۷/۹	۲۵	۴/۰	۴/۰	۸/۰	۸۴/۰	مقطع متوسطه
متن کتاب					تصاویر کتاب					مقطع تحصیلی و کتاب درسی
کل	سایر*	پزشک	پرستار	معلم	معلم	معلم	معلم	معلم	معلم	
۳۴	۳۵/۳	۲/۹	۲/۹	۵۸/۹	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	زبان و ادبیات فارسی
۲۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۰/۰	۲۰	۰/۰	۰/۰	۵/۰	۹۵/۰	زبان عربی
۱۴	۰/۰	۰/۰	۷/۱	۹۲/۹	۵	۲۰/۰	۲۰/۰	۲۰/۰	۴۰/۰	زبان انگلیسی
۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	دین و زندگی
۲۱۶	۳۱/۵	۳/۲	۶/۵	۵۸/۸	۱۹۹	۲۹/۶	۴/۰	۱۵/۱	۵۱/۳	جمع کل

\* در اینجا، سایر مشاغل زنان عمدتاً شامل مشاغلی از قبیل خیاطی، ملیله کاری و گلدوزی، کتابداری، خطاطی و مربی نقاشی و نویسندگی می‌شود.

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۶۷

\*\*\* در مقطع راهنمایی، آن دسته از کتاب‌هایی که در آن‌ها تعداد فراوانی‌های مربوط به اشتغال زنان اندک می‌باشد، در این جدول نشان داده نشده‌اند. اما، فراوانی‌های آن‌ها در جمع کل دوره راهنمایی منظور شده است.

### ویژگی‌های جنسیتی مخاطبین زنان شاغل

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم الگوهای اشتغال زنان در کتاب‌های درسی مربوط به جنسیت مخاطبین زنان شاغل می‌باشد. به طور کلی، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مربوط به نحوه بازنمایی اشتغال زنان در کتاب‌های درسی این است که زنان شاغل معمولاً با افراد همجنس خود سرو کار دارند. به عنوان مثال، مطابق نتایج این تحقیق در جدول شماره ۶، در حدود ۹۰ درصد زنانی که به عنوان معلم در کتاب‌های درسی به تصویر کشیده شده‌اند با افراد همجنس خود سرو کار دارند، یعنی با دانش‌آموزان دختر نشان داده شده‌اند. اگرچه این الگو به وضوح در کتاب‌های درسی کلیه مقاطع تحصیلی وجود دارد، با این همه در کتاب‌های درسی مقاطع تحصیلی بالاتر یعنی راهنمایی و دبیرستان، این الگو نسبتاً برجسته‌تر بازنمایی شده است. درحالی‌که، در کتاب‌های دبستان حدود ۱۵ درصد زنانی که در شغل معلمی به تصویر کشیده شده‌اند با افراد غیر همجنس خود (یعنی دانش‌آموزان پسر) سرو کار دارند. این الگو با تبیین‌های اندیشمندان معاصر تئوری جنسیت (ماسی و همکاران ۱۹۹۳، حکیم ۱۹۹۶، ریلی ۱۹۹۸، آنکر ۱۹۹۸ و ریلی و مک کارتی ۲۰۰۳) مطابقت دارد مبنی بر اینکه معمولاً در بسیاری از سیستم‌های آموزشی، پیشاپیش این‌گونه مفروض و مسلم تلقی می‌گردد که زنان برای تدریس در مقاطع تحصیلی پایین‌تر مناسب می‌باشند. این موضوع همجنس بودن افرادی که زنان شاغل با آنان در ارتباط هستند، در مشاغل پرستاری و پزشکی نیز مشاهده می‌گردد. در مجموع، در حدود ۷۰ درصد زنانی که به عنوان پرستار و پزشک در کتاب‌های درسی به تصویر کشیده شده‌اند با افراد همجنس خود یعنی با بیماران زن سرو کار دارند. این الگو به طور کاملاً برجسته‌ای در کتاب‌های درسی مقاطع تحصیلی بالاتر مشاهده می‌شود، به طوری که تمامی زنان پرستار و پزشک در کتاب‌های دبیرستان با بیماران زن نشان داده شده‌اند. درحالی‌که، در کتاب‌های دبستان این موضوع از حساسیت به مراتب کمتری برخوردار است، زیرا به طور کاملاً استثنائی حدود ۷۰ درصد زنانی که در نقش پرستار و پزشک در این کتاب‌ها به تصویر کشیده شده‌اند با افراد غیر همجنس خود (یعنی با بیماران مرد) سرو کار دارند. این

الگوهای کلی مربوط به همجنس بودن افرادی که به عنوان دانش‌آموزان معلمان زن و بیماران پرستاران زن محسوب می‌شوند، کمابیش در متن کتاب‌های درسی نیز انعکاس یافته است. نکته قابل توجه آن که در کتاب‌های درسی موضوع همجنس بودن مخاطبین زنان شاغل به طور محسوس‌تری برای شغل معلمی به تصویر کشیده شده است تا برای شغل پرستاری. با این همه، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد برای مردانی که در کتاب‌های درسی به عنوان معلم یا پرستار نشان داده می‌شوند، موضوع همجنس بودن مخاطبین آنان مطرح می‌گردد، به طوری که حداقل ۷۰ درصد مخاطبین آنان را دانش‌آموزان پسر یا بیماران مرد تشکیل می‌دهند. این الگو هم در متن هم در تصاویر کتاب‌های درسی کلیه مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مصداق دارد. بالاخره، در یک تجزیه و تحلیل تطبیقی بین الگوهای شغلی زنان و مردان از نقطه نظر همجنس یا غیر همجنس بودن مخاطبین آن‌ها، یک نکته بسیار مهم دیگری نیز به عنوان ویژگی اشتغال زنان مشاهده می‌گردد. مطابق نتایج این تحقیق، نسبت زنان شاغلی که با مخاطبین غیر همجنس خود در کتاب‌های درسی نشان داده شده‌اند، بمراتب بیشتر از مردان شاغلی است که در همان مشاغل با مخاطبین غیر همجنس خود در کتاب‌های درسی نشان داده شده‌اند. به عنوان مثال، ۱۰ درصد تصاویر زنان معلم، آنان را با دانش‌آموزان پسر نشان می‌دهد، درحالی‌که، در تصاویر کتاب‌های درسی هیچ موردی وجود ندارد که معلم مرد را فقط با دانش‌آموزان دختر نشان دهد. در مشاغل پرستاری و پزشکی نیز همین الگو ملاحظه می‌گردد: نسبت پرستاران زن که در کنار بیماران مرد در کتاب‌های درسی به تصویر کشیده شده‌اند (۲۹/۲ درصد) بیش از ۳ برابر نسبت پرستاران مرد است که در تصاویر کتاب‌های درسی در کنار بیماران مرد نشان داده شده‌اند (۹/۵ درصد). این الگوی شغلی زنان در متن کتاب‌های درسی نیز بازتابی شده است.

**جدول شماره (۶): توزیع فراوانی و نسبی تصاویر و متن کتاب‌های درسی مرتبط با مشاغل زنان/مردان و جنسیت مخاطبین آن‌ها به تفکیک مقاطع تحصیلی**

متن کتاب				تصاویر کتاب				نوع شغل زنان و مردان و جنسیت مخاطبین آن‌ها
دبیرستان	راهنمایی	ابتدایی	کل	دبیرستان	راهنمایی	ابتدایی	کل	
								معلم زن

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۶۹

۶۳/۴	۷۵/۰	۷۶/۹	۷۱/۲	۹۰/۰	۱۰۰/۰	۸۵/۷	۸۹/۱	دانش آموزان دختر
۳۶/۳	۲۵/۰	۲۳/۱	۲۸/۸	۰/۰	۰/۰	۱۴/۳	۹/۹	دانش آموزان پسر
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱/۰	دانش آموزان دختر و پسر
۴۱	۲۴	۳۹	۱/۴	۱۰	۱۸	۵۷	۸۵	جمع فراوانی
								پرستار/پزشک زن
۶۶/۶	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۷۵/۰	۱۰۰/۰	۸۵/۷	۲۸/۶	۷۰/۸	بیماران زن
۳۳/۴	۰/۰	۰/۰	۲۵/۰	۰/۰	۱۴/۳	۷۱/۴	۲۹/۲	بیماران مرد
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	بیماران زن و مرد
۳	۱	۱	۵	۳	۱۴	۷	۲۴	جمع فراوانی
								معلم مرد
متن کتاب				تصاویر کتاب				نوع شغل زنان و مردان و جنسیت مخاطبین آن‌ها
دبیرستان	راهنمایی	ابتدایی	کل	دبیرستان	راهنمایی	ابتدایی	کل	
۸۵/۸	۹۴/۷	۱۰۰/۰	۹۵/۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۸۴/۸	۹۲/۳	دانش آموزان پسر
۷/۱	۵/۳	۰/۰	۳/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	دانش آموزان دختر
۷/۱	۰/۰	۰/۰	۱/۶	۰/۰	۰/۰	۱۵/۲	۷/۷	دانش آموزان دختر و پسر
۱۴	۱۹	۳۱	۶۴	۶	۲۶	۳۳	۶۵	جمع فراوانی
								پرستار/پزشک مرد
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۷۱/۴	۸۱/۰	بیماران مرد
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۴/۳	۹/۵	بیماران زن
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۴/۳	۹/۵	بیماران زن و مرد
۳	۳	۲	۸	۱	۶	۱۴	۲۱	جمع فراوانی

\* محاسبات انجام شده در این جدول مبتنی بر مواردی است که در آن‌ها جنسیت مخاطبین (یعنی دانش‌آموزان و بیماران) مشخص می‌باشد. بنابر این، مواردی که جنسیت مخاطبین در تصاویر یا متن کتاب‌ها مشخص نمی‌باشد و یا هیچ مخاطبی برای مردان و زنان شاغل در مشاغل معلمی و

پرستاری/پزشکی در تصاویر یا متن کتاب‌ها وجود نداشته باشد، این قبیل موارد در جمع فراوانی‌ها و محاسبات این جدول منظور نشده‌اند.

## نتیجه گیری

در این تحقیق با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، مهم‌ترین الگوها و ویژگی‌های اشتغال زنان در کتاب‌های درسی سه مقطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داده است که الگوی سنتی تفکیک نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه به وضوح در متن و تصاویر این کتاب‌های درسی بازنمایی شده است. مطابق این نتایج، نقش‌های جنسیتی داخل خانه برای زنان تعریف و تعیین شده و مشارکت مردان در انجام کارهای خانگی و مراقبت از فرزندان بسیار کم‌رنگ و ناچیز در متن و تصاویر این کتاب‌های درسی انعکاس یافته است. این نتایج تأیید کننده‌ی الگویی است که آندرسون و همیلتون (۲۰۰۵)، تحت عنوان «پدر نامرئی»<sup>۱</sup> نام برده‌اند که نشان دهنده حضور و مشارکت بسیار کم‌رنگ پدران در مراقبت از فرزندان و انجام کارهای داخل خانه می‌باشد، زیرا نتایج تحقیق آنان نشان داد که پدران در کتاب‌های کودکان در زمینه نگهداری و مراقبت از فرزندان تقریباً غایب می‌باشند. به همین سبب، آنان، این پدیده را اصطلاحاً «پدر نامرئی» نامیده‌اند. برعکس، موضوع اشتغال خارج از خانه به عنوان یک «موضوع مردانه» تلقی گردیده و بر همین اساس نیز الگوی «مرد، نان آور خانوار» (مک دونالد ۲۰۰۰) به وضوح در کتاب‌های درسی بازنمایی شده است. مطابق نتایج این تحقیق، کمتر از یک چهارم موارد اشتغال در تصاویر و متن کتاب‌های درسی به اشتغال زنان اختصاص یافته است و بیش از سه چهارم دیگر اشتغال مردان را منعکس می‌کند. این الگو به طور کمابیش مشابه و یکسانی در تصاویر کتاب‌های درسی هر سه مقطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مشاهده می‌شود، اما تفاوت معنی‌داری از نقطه نظر بازنمایی این الگو در متن کتاب‌های درسی به تفکیک مقاطع تحصیلی وجود دارد بدین معنا که به موازات افزایش مقطع تحصیلی، حضور کم‌رنگ و ناچیز زنان در اشتغال خارج از خانه به طور برجسته‌تری در متن کتاب‌های درسی بازتاب یافته است. به عنوان مثال، نزدیک به یک سوم موارد اشتغال در متن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به اشتغال زنان

<sup>1</sup> The invisible father



بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۷۱

اختصاص یافته است، درحالی که این نسبت در متن کتاب‌های درسی دوره راهنمایی به حدود ۲۰ درصد و در متن کتاب‌های درسی دوره دبیرستان به حدود ۱۰ درصد کاهش می‌یابد. تفاوت‌های کمابیش برجسته‌ای نیز بین کتاب‌های درسی مختلف در خصوص چگونگی بازنمایی اشتغال زنان وجود دارد. این تفاوتها را می‌توان تا حدودی این‌گونه تبیین کرد که هر چه تعداد کل فراوانی‌های مربوط به اشتغال در کتاب‌های درسی بیشتر باشد، در نتیجه، پتانسیل بیشتری نیز برای بازنمایی چشمگیرتر تفاوت‌های جنسیتی و سهم اندک اشتغال زنان در این کتاب‌ها پدید می‌آید. مطابق یافته‌های این تحقیق، این الگو را می‌توان به وضوح در سهم به مراتب کمتر اشتغال زنان در متن کتاب‌های فارسی دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، در مقایسه با برخی کتاب‌های درسی دیگر (به ویژه، کتاب‌های زبان انگلیسی، زبان عربی، حرفه و فن، و تعلیمات اجتماعی)، مشاهده کرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های اساسی الگوهای شغلی زنان در کتاب‌های درسی، تنوع بسیار محدود مشاغلی است که برای زنان تعیین و تعریف شده است. در واقع، انواع اصلی مشاغل زنان که در کتاب‌های درسی بازنمایی شده، در امتداد همان نقش‌هایی است که از آنان در چارچوب خانه و خانواده انتظار می‌رود. مطابق یافته‌های این تحقیق، شایع‌ترین شغل زنان، معلمی و سپس، پرستاری است به طوری که حدود ۸۵ درصد زنان شاغل در کتاب‌های درسی دوره‌های ابتدایی و دبیرستان در ترکیبی از این دو شغل اصلی به تصویر کشیده شده‌اند. این نسبت در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی نزدیک به ۴۵ درصد می‌باشد، زیرا حدود نیمی از زنان شاغل در این کتاب‌های درسی (به ویژه، درس حرفه و فن) در گروه سایر مشاغل قرار می‌گیرند. در واقع، بیشترین نسبت زنان شاغل در مشاغلی به غیر از معلمی و پرستاری (عمدتاً مشتمل بر مشاغلی از قبیل خیاطی، ملیله دوزی، کتابداری، خطاطی و مربی نقاشی) در کتاب‌های حرفه و فن به تصویر کشیده شده‌اند که می‌تواند تا حدودی ناشی از ماهیت این درس مبنی بر آشنایی دانش آموزان با حرفه‌ها و مشاغل متعدد باشد. به علاوه، مشاغل اصلی زنان در دو دسته کتاب‌های درسی، به دو شیوه متفاوت بازنمایی شده است. از یکسو، چشمگیرترین حضور زنان در شغل معلمی در کتاب‌های آموزش قرآن مقطع دبستان و کتاب‌های زبان عربی مقطع دبیرستان به تصویر کشیده شده است به طوری که ۹۵ درصد زنان شاغل در هر یک از این کتاب‌ها، در شغل معلمی ظاهر شده‌اند. در واقع، در بین مجموع کتاب‌های درسی کلیه مقاطع تحصیلی، کتاب‌های آموزش قرآن مقطع دبستان به عنوان برجسته‌ترین استثناء محسوب می‌شوند که در آن‌ها تصاویر زنان شاغل بالنسبه بیشتر از تصاویر مردان

شاغل است که عمدتاً ناشی از این واقعیت است که نسبت زیادی از تصاویر اشتغال در این کتاب‌ها مربوط به شغل معلمی است و بالتبع، اکثریت چشمگیر زنان شاغل نیز در چنین نقشی نشان داده شده‌اند. از سوی دیگر، زنان شاغل در تصاویر کتاب‌های زبان انگلیسی غالباً در شغل پرستاری ظاهر شده‌اند تا جایی که حتی در این کتاب‌ها در دوره راهنمایی به طور کم سابقه‌ای تعداد بیشتری از زنان شاغل به عنوان پرستار به تصویر کشیده‌اند تا معلم. یک ویژگی اساسی دیگر در خصوص بازنمایی الگوهای شغلی زنان در کتاب‌های درسی این است که زنان شاغل به ندرت در مشاغل تخصصی عالی مانند پزشک ظاهر می‌شوند. مطابق یافته‌های این تحقیق، در کمتر از ۵ درصد موارد مربوط به اشتغال زنان در متن و تصاویر کتاب‌های درسی هر یک از مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، زنان در مشاغل تخصصی به عنوان پزشک نشان داده شده‌اند. ضمن آن‌که، در کتاب‌های فارسی دوره دبستان که بیشترین تعداد تصاویر زنان شاغل را شامل می‌شود، در هیچ یک از این تصاویر زنان در مشاغل تخصصی به عنوان پزشک ظاهر نشده‌اند.

مطابق یافته‌های این تحقیق، همجنس بودن مخاطبین زنان شاغل، یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های بازنمایی اشتغال زنان در کتاب‌های درسی محسوب می‌شود. مطابق این یافته‌ها، اکثریت چشمگیر معلمین زن با دانش آموزان دختر و اکثریت چشمگیر پرستاران زن با بیماران زن سروکار دارند. این الگوهای شغلی زنان هم در متن هم در تصاویر کتاب‌های درسی کلیه مقاطع تحصیلی مشاهده می‌شود، با این همه، این الگوهای شغلی زنان به طور برجسته‌تری در کتاب‌های درسی مقاطع تحصیلی بالاتر (راهنمایی و دبیرستان) بازنمایی شده است تا در کتاب‌های درسی دبستان، که نه تنها بازتاب دهنده حساسیت‌های فرهنگی شدیدتر جامعه نسبت به تعامل افراد جنس مخالف برای دانش‌آموزان سنین بالاتر می‌باشد، بلکه تأییدی بر این ایده صاحب‌نظران معاصر تئوری جنسیت (ماسی و همکاران ۱۹۹۳، آنکر ۱۹۹۸ و ریلی و مک کارتی ۲۰۰۳) است که تدریس در مقاطع تحصیلی پایین به عنوان یکی از مناسب‌ترین ویژگی‌های شغلی زنان در بسیاری از سیستم‌های آموزشی جهان، مفروض و مسلم تلقی می‌شود. به علاوه، نسبت زنان شاغلی که به عنوان معلم و پرستار با مخاطبین غیر همجنس خود در کتاب‌های درسی نشان داده شده‌اند، به مراتب بیشتر از مردان شاغلی است که در همان مشاغل با مخاطبین غیر همجنس خود در کتاب‌های درسی نشان داده شده‌اند. این نکته، تأکیدی مضاعف بر الگوی کلیشه‌ای و غیر منعطف اشتغال زنان است که بر اساس آن (و بر عکس طیف بسیار گسترده و متنوع

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۷۳

مشاغل مردان)، مشاغل زنان، در هر صورت و صرف نظر از جنسیت مخاطبین، در دو نوع اصلی یعنی معلمی و پرستاری محدود میشود.

در مجموع، یافته‌های این تحقیق، شواهد تجربی جدیدی را در تأیید تحقیقات پیشین از جمله در کشورهای جهان سوم و جوامع اسلامی ارائه می‌کند مبنی بر اینکه علی‌رغم پیشرفت‌های نسبی در دهه‌های اخیر در زمینه وضعیت زنان در این جوامع (از جمله افزایش سطح تحصیلات و کاهش سطح باروری)، میزان اشتغال آنان همچنان بسیار پایین است و یکی از مهم‌ترین دلایل آن نیز نقش تعیین کننده سیستم‌های آموزشی و رسانه‌ای در زمینه چگونگی بازتولید نقش‌های جنسیتی و الگوهای شغلی زنان و مردان می‌باشد (برای مرور تفصیلی ادبیات تحقیق در این خصوص نگاه کنید به: فروتن ۱۳۸۷، ۱۳۹۰، ۲۰۰۹). علاوه بر این، همچنان که در بخش مبانی نظری تحقیق به ویژه نظریه جامعه‌پذیری (اونس و داویس ۲۰۰۰، تایلور ۲۰۰۳) تأکید شده است، یافته‌های این تحقیق نیز مبین این نکته اساسی می‌باشند که سیستم آموزشی و متون درسی (به عنوان مهم‌ترین ابزار انتقال استانداردهای فرهنگی)، الگوهای معینی را در زمینه ویژگی‌های اشتغال زنان بازنمایی می‌کنند. این شیوه بازنمایی رسمی استانداردهای فرهنگی که اصطلاحاً تحت عنوان «کدهای جنسیتی» نامیده می‌شود (تایلور ۲۰۰۳)، نقش تعیین کننده‌ای در درونی شدن و جامعه‌پذیری هویت جنسیتی به طور عام و موضوع اشتغال زنان به طور خاص ایفا می‌نماید. بدین ترتیب، با توجه به نقش کلیدی منابع درسی در فرآیند جامعه‌پذیری و بر پایه نتایج این تحقیق، توصیه می‌شود تا برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری در راستای همسویی محتوای منابع درسی با تغییرات اجتماعی و جمعیت‌شناختی اخیر مرتبط با وضعیت زنان صورت گیرد. گفتنی است که تغییرات اجتماعی و جمعیت‌شناختی اخیر مرتبط با وضعیت زنان در ایران با تفصیل بیشتری در یک تحقیق دیگر (فروتن ۱۳۸۷) مورد توجه قرار گرفته و نشان داده است که علاوه بر روندهای رو به رشد در زمینه تحصیلات دانشگاهی زنان و نگرش مثبت جامعه نسبت به اشتغال زنان، تغییرات جمعیت‌شناختی طی سال‌های اخیر در ایران (به ویژه افزایش میانگین سن ازدواج زنان و کاهش سطح باروری) نیز به گونه‌ای تحقق یافته و در حال گسترش است که علی‌الخصوص در سطح تصمیم‌گیری‌های فردی، زمینه‌های مناسبی را برای افزایش مستمر انگیزه‌ها و انتظارات در زمینه اشتغال زنان در خارج از خانه فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، به تلاش‌های جامع و برنامه‌ریزی‌های واقع‌بینانه‌تری نیاز است تا بتوان با بازنمایی الگوهای اشتغال زنان فارغ از تفکرات قالبی کلیشه‌ای، همسویی مناسب و منطقی را بین تغییرات اجتماعی و

جمعیت شناختی اخیر مرتبط با وضعیت زنان از یکسو و محتوای منابع درسی در زمینه بازنمایی ویژگی‌های اشتغال زنان از سوی دیگر فراهم آورد.

### منابع

- اسدی، علی و همکاران (۱۳۵۶) تمایلات فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران: گزارشی پیرامون یک تحقیق در تهران.
- افشانی، سید علیرضا و همکاران (۱۳۸۸) «بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی»، پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۱، صص ۱۰۷-۸۷.
- حجازی، الهه (۱۳۸۵) «اصلاح سیمای زن در کتاب‌های دوره ابتدایی: راهی به سوی دستیابی به فرصت‌های برابر»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۸۷، صص ۱۴۵-۱۲۱.
- رضوی، آمنه و پروانه نظرعلی (۱۳۸۵) «تحلیل محتوای کتاب تربیت بدنی (۱) اول دبستان سال تحصیلی ۱۳۷۹»، پژوهش در علوم ورزشی، ش ۱۱، صص ۲۸-۱۵.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۲) زن و مدیریت، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان، تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، چاپ اول. صص ۱۷۵-۱۶۵.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۶) «زنان و تحصیلات دانشگاهی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۵۶-۵۷ (ویژه نامه علوم اجتماعی)، صص ۱۲۷-۱۰۱.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۵) «بازتاب هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و دوره راهنمایی تحصیلی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۸۷، صص ۱۲۰-۹۳.
- صداقت، سعید و زهرا زاهد (۱۳۷۴) «نقش‌های جنسیتی در تصاویر کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، مجله فرزانه، دوره دوم، ش ۵.
- صادقی جعفری، جواد (۱۳۸۷) «بررسی سیمای زن در ادبیات کودکان با تأکید بر تغییرات سیاسی - اجتماعی»، مطالعات زنان، دوره ششم، ش ۱، صص ۹۰-۷۱.

بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران ۷۵

فروتن، یعقوب (۱۳۸۷) « رهیافتی جمعیت‌شناختی به اشتغال زنان: با ملاحظاتی بر وضعیت ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سوم، ش ۶ صص ۱۹۳-۱۷۱.

فروتن، یعقوب (۱۳۸۷) « جامعه‌شناسی دین و جنسیت: بررسی تئوریک و تجربی با تأکید بر اشتغال زنان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (مسائل اجتماعی ایران ۶) - ویژه علوم اجتماعی، سال شانزدهم، ش ۶۳، صص ۱۳۱-۱۰۷.

فروتن، یعقوب (۱۳۸۸)، زمینه‌های فرهنگی تحولات جمعیت‌شناختی: با اشاراتی به انتقال باروری در ایران»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۱۴، صص ۱۱۰-۹۱.

فروتن، یعقوب (۱۳۸۹) « جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره هشتم، ش ۳، صص ۲۱۶-۱۹۵.

عبدی، عباس و محسن گودرزی (۱۳۷۷) تغییرات فرهنگی در ایران، تهران: انتشارات روش.

مجتهدی، مهین (۱۳۸۱) « بررسی باورهای جنسیتی در محتواهای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، مقاله ارائه شده در مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری ۱۳۸۵ تا ۱۳۳۵

مقصودی، سوده (۱۳۸۳) «بررسی نقش زنان در داستان‌های کودکان»، پژوهش زنان، دوره دوم، ش ۳، صص ۵۵-۴۱.

میرزایی، محمد (۱۳۸۴)، جمعیت و توسعه با تأکید بر ایران، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

**Abbasi-Shavazi M J and McDonald P** (2006) " Fertility decline in the Islamic Republic of Iran: 1972-2000", Asian Population Studies, Vol. 2, No. Pp. 217-237.

**Anderson, D. A. and Hamilton, M.** (2005) " Gender role stereotyping of parents in children's picture books: The invisible father", Sex Roles, Vol. 52, No. 3-4, pp. 145-151.

**Anker R (1998) Gender And Job:** Sex Segregation of Occupations in the World, International Labour Organization, Geneva.

**Arbutnot, M. H.** (1984) "Children and Books, Chicago, IL: Scott Foresman & Company.

**Azzam H, J A Nasr and I Lorfin** (1984) "An Overview of Arab Women in Population, Employment and Economic Development", IN: Women, Employment and

Development in the Arab World, Ed: J A Nasr, N F Khoury, And H T Azzam, Mouton Publisher, Pp. 5-37.

**Bender, D. L. and Leone, B.** (1989) "Human sexuality: 1989 annual, San Diego, CA: Greenhaven Press.

**Bem, S. L.** (1981) "Gender schema Theory: A cognitive account of sex typing", Psychological Review, Vol. 88, pp. 354-364.

**Berg, B. L.** (2001) "Qualitative research method for the social sciences, 4th ed. Boston, MA: Allyn&Bacon.

**Cotter D A, et al.** (2001) "Women's Work and Working Women: The Demand for Female Labor", Gender and Society, Vol. 15, No. 3, Pp. 429-45

**Davis K** (1984) "Wives and Work: The Sex Role Revolution and Its Consequences", Population and Development Review, Vol. 10, Issue 3, Pp. 397-417.

**Eagly, A. H. and Wood, W.** (1999) "The origins of sex differences in Human behavior: Evolved Dispositions versus social roles", American Psychologist, Vol. 54, pp. 408-423.

**Evans, L. and Davis, K.** (2000) "No Sissy boy Here: A Content analysis of the representation of masculinity in elementary school reading textbooks", Sex Roles, Vol. 42, No. 3-4, pp. 255-270.

**Foroutan. Y.** (2009) "Gender and religion: The status of women in the Muslim world", In P. Clarke and P. Beyer (Eds.), The World's Religions: Continuities and Transformations, London: Routledge Publication, pp. 225-238.

**Foroutan, Y.** (2009) "Migration and Gender Roles: The Typical Work Pattern of the MENA Women", International Migration Review, Vol. 43, No. 4, pp. 974-992.

**Foroutan, Y.** (2009) "Religion, Migration and Social Change: Christian-Muslim Differentials", Australian Religion Studies Review, Vol. 22, Issue 3, pp. 295-321.

**Fox, M.** (1993) "Men who weep, boys who dance: the gender agenda between the lines in children's literature", Language Arts, Vol. 70, pp. 84-88.

**Johns, M. L.** (1981), The influence of picture books on sex role attitudes and knowledge of sex role stereotypes in kindergarten children, Dissertation Abstracts International, 42(04B), 1634.

**Gooden, A. and Gooden M. A.** (2001) "Gender representation in Notable Children's picture books: 1995-1999", Sex Roles, Vol. 45, No. 1-2, pp. 89-101.

**Hakim C** (1996) Key Issues in Women's Work: Female Heterogeneity and the Polarisation of Women's Employment, Atlantic Highlands, NJ: Athlone, London.

**Higgins, P. H. and Shoar-Ghafari P.** (1991) "Sex-role socialization in Iranian textbooks", NWSA Journal, Vol. 3, No. 2, pp. 213-232.

**International Labour Organisation (ILO)** 2001, Key Indicators of the Labour Market 2001-2002, Geneva.

- Kortenhaus, C. M. and Demarest, J.** (1993) "Gender role stereotyping in children's literature: an update", *Sex Roles*, Vol. 28, No. 3-4, pp. 219-232.
- Lee, J. F. K. and Collins P.** (2008) "Gender voices in Hong Kong English textbooks – Some past and current practices", *Sex Roles*, Vol 59, pp. 127-137.
- Lee, J. F. K. and Collins P.** (2009) "Australian English-language textbooks: the gender issues", *Gender and Culture*, Vol. 21, Issue 4, pp. 353-370.
- Massey D. S. & et al** (1993) "Theories of International Migration: A Review and Appraisal", *Population and Development Review*, Vol. 19, No. 3, Pp. 431-466.
- Mead, G. H.** (1934) *Mind, Self, and Society*, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- McDonald, P.** (2000) "Equity, Social Institutions and the Future of Fertility", *Journal of Population Research*, Vol. 17, No. 1, Pp. 1-16.
- McQuilian K** (2004) "When Does Religion Influence Fertility? ", *Population and Development Review*, Vol. 30, No. 1, Pp. 25-56.
- Moghadam V M** (1999) "Gender and Globalization: Female Labor and Women's Mobilization", *Journal of World-System Research*, Vol. V, 2, Pp. 367-388.
- Narahara, M.** (1998) *Gender stereotypes in children's picture books*, East Lansing, MI: National Center for Research on Teacher Learning.
- Omran A R and F Roudi** (1993) "The Middle East Population Puzzle", *Population Bulletin*, Vol. 48, No. 1: 1-38.
- Riley N E** (1998) "Research on Gender in Demography: Limitation and Constraints", *Population Research and Policy Review*, Vol. 17, No. 6, Pp. 521-538.
- Riley and McCarthy** (2003) "Feminist Demography", IN: *Demography in the Age of the Postmodern*, Cambridge: Cambridge University Press, Pp. 99-119.
- Sapir, E.** (1929) "The status of linguistics as a science", *Language*, Vol. 5, pp. 207-214.
- Shaditalab Jaleh**, (2005) "Iranian Women: Rising Expectations", *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, Vol. 14, No. 1, pp. 35-55.
- Sugar, J. A & et al.** (2002) "Gender biases in Gerontological education", *Gerontology & Geriatrics Education*, Vol. 22, Issue 4, pp. 43-55.
- Sunderland, J & et al.** (2001) "From bias 'in the text' to 'teacher talk around the text': an exploration of teacher discourse and gendered foreign language textbook text", *Linguistics and Education*, Vol. 11, pp. 251-286.
- Taylor, F.** (2003) "Content analysis and gender stereotypes in children's books", *Teaching Sociology*, Vol. 31, pp. 300-311.
- Weitzman, L. et al.** (1972) "Sex-role socialization in picture books for preschool children", *American Journal of Sociology*, Vol. 77, pp. 1125-1150.

**Whiteley, P.** (1996) "The 'gender fairness' of integrated science textbooks used in Jamaican high schools", *International Journal of Science Education*, Vol. 18, Issue 8, pp. 969-976.

**Whorf, B. L.** (1956) The relation of Habitual thought and behavior to language, pp. 134-159, IN: *Language, Thought and Reality*, edited by J. B. Carroll, Cambridge, MA: The Technology Press of MIT/New York.

**Yasmeen, S.** (2004) "Muslim women and human rights in the Middle East and South Asia", in V. Hooker and A. Saikal (Eds.), *Islamic Perspective on the New Millennium*, Institute of Southeast Asian Studies, Singapore: 161-182.

**Zurayk H C and F Saadeh** (1995) "Women as Mobilizers of Human Resources in Arab Countries", IN: *Gender and Development in the Arab World*, Ed: N F Khoury and V M Moghadam, The United Nations University Press, Pp. 35-48.

Archive of SID